



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهشی و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات کمک آموزشی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۶

رشد آموزش و پرورش

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای دبیران، دانشجویان و کارشناسان آموزش و پرورش

دوره هفدهم • اسفند ۱۳۹۰ • شماره بی‌درپی ۹۶

- خلاصیت آسان است/محمدرضا حشمتی/۲
محبت دوسر دارد/دکتر محمدرضا اسدی یونسی، مرضیه سپاهی/۳
مهارت مقاله‌نویسی/جعفر ربانی/۶
چهار چرخ مدیریتی/سپیده شهیدی/۹
حوصله‌ام سر رفت/ترجمه معصومه خیرآبادی/۱۰
خوردن از بهر معلمی/دکتر احمد مختاریان/۱۲
نردبان پیشرفت/دکتر نیره شاه‌محمدی/۱۴
همسر، همراه اول/دکتر فرحناز حدادی/۱۸
ویژه‌نامه خلاصیت/محمد شاکر، مهدی رضاییان/۲۱
نخستین همایش کشوری دبیرخانه درس فارسی/۲۹
بوی خوش کلمات/فریدون اکبری شلدره/۳۰
یاوران معروف در مدرسه مطلوب/فاطمه خرقانیان/۳۲
اندر فواید آموزش علم تاریخ!/محمد دشتی/۳۴
چگونه کلاس تاریخ را شیرین کنیم؟/جواد باباخانی/۳۸
ارزش‌یابی اجرای آزمایشی کتاب تاریخ.../فاطمه غدیری/۴۰
شیوه تدریس، ارزش‌یابی و.../حشمت‌اله سلیمی/۴۲
درمقابل چی، مثل چی باش/علی اصغر جعفریان/۴۵
دفتر انشای من/جعفر خرازی، فاطمه حیدرنیاز، فتح‌الله فروغی/۴۶
بازی‌هایی برای آموزش زبان انگلیسی/دکتر علی پوردریایی نژاد/۴۶
شما چه می‌خواهید؟ خودتان بفرمایید!/۴۷

مدیر مسئول: محمد ناصری

سرمدبیر: محمدرضا حشمتی

شورای برنامه‌ریزی و کارشناسی: علی‌رضا صادقی‌میاب

منصور ملک‌عباسی، علی‌اصغر جعفریان

فرحناز حدادی و لیلی محمدحسین

مدیر داخلی: فاطمه محمودیان

ویراستار: فریدون حیدری ملک‌میان

طراح گرافیک: مهدی کریم‌خانی

نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶

صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۷۹

تلفن: ۸۸۴۹۰۲۳۲

نمایر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

وبگاه: www.roshdmag.ir

پیام‌نگار: rahnamayi@roshdmag.ir

تلفن پیام‌گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲

کد مدیرمسئول: ۱۰۲ کد سردبیر: ۱۱۵ کد مشترکین: ۱۱۴

نشانی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۶-۷۷۳۳۶۶۵۵

شمارگان: ۲۳۰۰ نسخه

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

روی جلد: میثم موسوی

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم

– مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد.
– مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنان‌چه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید.
– مقاله یک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و روی سی‌دی یا از طریق پیام‌نگار مجله ارسال شوند.
– نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود.
– محل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود.
– مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود.
– کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلیدواژه‌ها) از متن استخراج شوند.
– مقاله باید دارای تیترو اصلی، تیتروهای فرعی در متن و سوتیتر باشد.
– معرفی‌نامه کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود.
– مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است.
– مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود.
– آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

خلاقیت - آسان است

محمد رضا حشمتی

خلاقیت به معنی اختراع یک چیز کاملاً جدید نیست، بلکه به وجود آوردن یک سری ارتباطات هم‌سوست. این مهم نیست که ما چه کسی هستیم، مهم این است که چگونه عمل می‌کنیم. آن‌چه در زمینه‌سازی خلاقیت نیاز داریم، این است که به وجود چندین راه‌حل برای هر مسئله قائل باشیم. ما معلمان باید به دانش‌آموزان خود اجازه‌ سرزندگی و کنجکاوی بدهیم و در مقابل پاسخ‌های آن‌ها انعطاف‌پذیر باشیم. متأسفانه، گاهی رفتارهای ما به شکلی است که مانع بروز خلاقیت دانش‌آموزان می‌شود. برای مثال اگر دانش‌آموزی در کلاس ادبیات، در ساختن جمله یا بیت شعری بدیع و یا نوشتن انشا با استفاده از لغات تازه آموخته شده توجهی نکند، یا حتی اگر دانش‌آموزی سعی کند جواب سؤال را مانند معلم یا کتاب ندهد و از نیروی ذهنی و خلاقانه خود کمک بگیرد و جوابی جدید بدهد، نباید با پرخاش معلم مواجه شود که: «جواب سؤال را نخوانده‌ای و بلد نیستی!»

خلاقیت می‌تواند به وسیله ما معلمان در دانش‌آموزان شکوفا شود و یا از بین برود. بنابراین، لازم است محیط و فضای مساعدی برای رشد و پرورش قوه خلاقیت دانش‌آموزان فراهم شود. خلاقیت را نمی‌توان با فشار ایجاد کرد، بلکه باید اجازه داد تا خود ظهور کند. همان‌گونه که کشاورز نمی‌تواند جوانه را از دانه بیرون بیاورد، اما می‌تواند شرایط مناسبی برای رشد دانه فراهم آورد، در مورد خلاقیت نیز همین شرایط صادق است. باید زمینه‌ای مساعد برای رشد و توسعه خلاقیت دانش‌آموزان مهیا ساخت. استفاده زیاد ما از پرسش‌های همگرا که قالبی و غیرقابل انعطاف و از پیش تعیین شده است، یکی از مهم‌ترین موانع بروز خلاقیت به شمار می‌رود.

دوستان! فراموش نکنیم که ما برای تحقق بسیاری از فعالیت‌ها «نیاز به تزریق منابع نداریم، بلکه نیاز به رفع موانع داریم». می‌توان با فراهم کردن امنیت روانی و آزادی، احتمال بروز و ظهور خلاقیت سازنده را افزایش داد.

در این شماره، ویژه‌نامه خلاقیت به زبان ساده ارائه می‌شود تا شاهدهی باشد بر این مدعا که اگر نگاه ما به مقوله خلاقیت تغییر کند، امکان بروز و ظهور آن امری ساده و سهل خواهد بود.

محبت دوسر دارد

شوق معلمی در خوردن باد دانش آموزان

دکتر محمدرضا اسدی یونسی، مرضیه سپاهی

ریشه دوانیده‌اند. حال آن که نونهالان ما از این آلودگی‌ها مبری هستند و در مقام روحی و اخلاقی به یقین بر ما شرف دارند. اگر کودکانی دست به شرارت و تنبلی بزنند، برای مدتی کوتاه است و همه آن‌ها این چنین نیستند و مطمئناً مانند اشخاص بالغ از روی حساسگری و جلب منافع و سیاست خاصی آن اعمال را انجام نمی‌دهند، بلکه ندانسته قربانی تقلید از حرکات ناپسند ما بزرگ‌ترها می‌شوند و یا گاهی به انتقام از کجروی‌ها و بدکاری‌های ما دست به آن اعمال می‌زنند.

معلم خوب نه فقط باید شاگردانش را دوست بدارد بلکه باید باطناً از معاشرت و مؤانست با آن‌ها لذت ببرد و خود را از ایشان دور و جدا نگاه ندارد. یک ضرب‌المثل آمریکایی می‌گوید «معلم در یک طرف نیمکت و شاگردان در طرف دیگر»؛ واضح است که همیشه عده شاگردان به مراتب از معلمان بیشتر است و ناگزیر هر دسته و گروهی از شاگردان به یک معلم سپرده می‌شود. امروزه در بسیاری از کشورها هر کلاس درس از ده تا سی نفر شاگرد دارد؛ پس هر معلمی باید حوصله و شوق آن را داشته باشد که روزانه چندین ساعت با دسته‌ای بیست سی نفری (یا خیلی بیشتر) از کودکان و جوانان کار کند و سر و کله بزند. معلمی که آرزو کند شاگردانش مثل بزرگ‌ترها حرف بزنند و فکر و عمل کنند و یا بخواهد که فقط با دو سه کودک سروکار داشته باشد، معلم نیست.

علاقه و دوست داشتن چیزی یا کسی نمی‌تواند با اجبار صورت گیرد. داشتن علاقه به انجام هر کاری شرط لازم برای تحقق آن است. تجارب گذشتگان بیانگر این نکته است که بین علاقه و موفقیت رابطه مستقیم وجود دارد. در شغل شریف معلمی نیز وجود علاقه به این حرفه باعث پذیرش تمام شرایط آن و البته موفقیت است. در نوشته زیر به بررسی نقش شوق معلمی در رفتارها و نگرش‌های معلم می‌پردازیم.

○ علاقه به دانش آموزان

سومین شرط وجود یک معلم خوب، علاقه به شاگرد است. اگر کسی بالفطره کودکان را دوست نداشته باشد و عوالم و احساسات ایشان را درک نکند، هرگز نمی‌تواند معلم خوبی از آب درآید.

جوانان و نونهالان فقط از این‌رو که نورسته و پاکند و هنوز گرفتار آلودگی‌های زندگی نشده‌اند، محترم و محبوبند. معایب ایشان عبارت است از جهل، بی‌تجربگی و احتیاجاتشان به ما بزرگ‌ترها و مربیان نیز همین است که این معایب را از وجودشان ریشه‌کن سازیم. ما بزرگ‌ترها باید انصاف بدهیم که بسیاری از ما کم و بیش خود گرفتار آلودگی‌های روحی بی‌شماری هستیم که طی سال‌های زندگی چون سرطان و خوره در وجودمان

باید ابتدا این حقیقت را پذیرفت که کودکان همیشه کودک و عده آن‌ها همواره زیاد است و آن‌گاه به کار معلمی پرداخت.

○ سفر با تجربه معلمی

البته استادان و معلمان سالخورده و دانشمند و محققان و علمای بزرگ که عمر خود را بر سر کسب معرفت گذاشته و سابقه‌ای درخشان و نامی بزرگ به دنبال خود دارند، حسابشان جداست؛ زیرا کلاس درس آن‌ها از عده‌ای مردان کامل و متفکر علاقه‌مند به کار تشکیل یافته که با میل و دقت، تمام گفته‌های عمیق و صدای گرفته و حرکات خشک و خستگی ایشان را به جان و دل خریدارند. در این مقام، نیروی مترکم علم و سیل ترشحات مغز ایشان هر حد و سدی را درهم می‌شکنند و موازین و شرایط لازمه فن معلمی را از میان برمی‌دارد. کلاس ایشان همه گوش و توجه و سکوت است. صدای نحیف این سالخوردگان به وسیله بلندگوی دقت و عنایت شنوندگان، قوی و رسا می‌گردد. افکار عمیق و مطالب سنگین ایشان در پرتو تمرکز فکری و

در همه جای دنیا اساس کار تعلیم و تربیت بر پایه حسن تفاهم و همکاری و صمیمیت معلم و شاگرد استوار است



فراست حضار، روشن و قابل فهم می‌شود.

اما برای ما معلمان عادی که در قبال آن استادان عالی قدر افرادی ناچیز به حساب می‌آییم، چاره‌ای جز این نیست که شعور معلمی در سر و محبت شاگردان را در دل به‌پروانیم و در رعایت اصول و شرایط اولیه فن آموزش و پرورش دقیقه‌ای فرو نگذاریم. همان‌طور که یک زیست‌شناس وقتش را در آزمایشگاه و کتابخانه سر می‌کند و یک روزنامه‌نگار خود را برای حوادث غیرمنتظره و شرکت در جار و جنجال زندگی و دردرس ملاقات‌ها و مسافرت‌ها مهیا می‌دارد، معلم هم باید با حوصله و بردباری تمام در کلاس حاضر شود و خود را آماده آن سازد که ساعاتی دراز در میان گروه کودکان و جوانان به سر برد.

○ معلمان هم‌قدم

این نکته را به خاطر داشته باشیم که معلم نباید چون سدی غیرقابل نفوذ در مقابل نیرو و جهش‌های روح شاگردانش ایستادگی کند. معلم نباید چون پلیسی مراقب اعمال و رفتار شاگردان خود بوده و جاسوسی آن‌ها را بکند؛ بلکه باید در آن واحد هم‌قدم و راهنمای ایشان باشد؛ درست مانند امامی نسبت به گروه مؤمنانش، مهربان‌تر از پدری نسبت به فرزندان و مؤثرتر و گرم نفس‌تر از ناطقی در میان شنوندگانش.

معلم باید به منزله صدا و قلب گروه شاگردانش به شمار آید و در نتیجه همان‌قدر هم به ایشان نزدیک و در دل و روحشان جایگزین باشد. چنین معلمی به سهم خود از نیروی حیاتی و شوق و شور شاگردانش همه‌روزه مایه تازه‌ای می‌گیرد و مادام که معلم است با طیب خاطر و رضای باطن عمر و دانش و تقوای خود را در خدمت آموزش و پرورش نونهالان می‌گذارد.

در این جا ممکن است خیلی‌ها به شدت بر گفته‌های ما ایراداتی وارد کنند و در مقام اعتراض بگویند که: خیلی از کلاس‌ها را اصلاً نمی‌شود دوست داشت؛ زیرا شاگردانی آن قدر گستاخ و بی‌حس دارند که هیچ معلمی نمی‌تواند حتی یک ساعت در آن جا سر کند. در بعضی مدارس شهرهای بزرگ و پرجمعیت دختران فقط در فکر خودآرایی و جلف‌بازی و در برخی دیگر پسرها صرفاً مشغول شرارت و مشت‌زنی هستند؛ همه آن‌ها از معلم و درس و بحث بیزارند و پیوسته در پی آزار و هتک حرمت معلمان و اولیای مدارس برمی‌آیند. حال چه‌طور می‌شود که مهر چنین افراد زشت‌خویی را در دل پروراند یا اصلاً چگونه ممکن است به این دسته نزدیک و با آن‌ها هم‌کلام شد چه رسد به هم‌دردی و راهنمایی و تعلیم ایشان.

این اعتراض‌ها کاملاً به‌جاست و بدون تردید بعضی کلاس‌ها برای معلم دست کمی از جهنم ندارد. زمانی بود که نویسنده‌ای چون دیکنز به دفاع از حقوق شاگردان فلاکت‌زده و ستم‌دیده و تنقید از شقاوت و

سخت‌گیری‌های مربیان و معلمان داد سخن می‌داد و قلم و خواننده‌اش را روی صفحات به گریه درمی‌آورد؛ در آن هنگام گردن کلفت‌ترین و جسورترین شاگردان بالاخره مجبور می‌شدند که در مقابل اقتدار و خشونت اولیای مدرسه به زانو درآیند و گناه کوچک خود را با اشک و خون بشویند. ولی امروزه وضع برگشته و ای بسا شاگردان که بر معلم خود ظلم و تحکم می‌کنند، در نیویورک مدارس هست که اولیای آن مکرر برای محافظت جان خود مجبور شده‌اند از پلیس شهر کمک بخواهند. هم‌چنین بسیاری از زنان و مردان معلم را می‌شناسیم که وقتی زنگ تنفس به صدا درمی‌آید نفسی به راحتی می‌کشند و در دل خدا را شکر می‌کنند که از ساعت درس جان سالم به در برده‌اند. این معلمان حقیقتاً از شرارت‌ها و سوءقصد‌های شاگردان خود در وحشتند و می‌دانند که آن قبیل بچه‌های لجام گسیخته ممکن است در کمال جسارت هر نوع عمل زشت و خطرناکی را چه در مدرسه و چه در خارج نسبت به ایشان مرتکب شوند. بدتر از همه آن که شاگردان این قبیل مدارس نیویورک با بعضی دیگر از شهرهای بزرگ آمریکا به هیچ وجه میل ندارند چیزی یاد بگیرند و اصلاً درس خواندن را اتلاف وقت و مدرسه را زندان می‌دانند و خیلی بیشتر دوست دارند که یا در خیابان‌ها پرسه بزنند و به تصادف پولی کسب کنند. ایشان از این که در چهاردیواری مدرسه یا مؤسسه‌ای مقید و محبوس بمانند و با پسر بچه‌ها و دختر بچه‌ها (که چیزی از زندگی سرشان نمی‌شود) هم‌دم و هم‌بازی باشند به شدت نفرت دارند و ترجیح می‌دهند که چون زنان و مردان کامل عیار و رسیده وارد میدان زندگی شده از هر راه که ممکن شود، پولی به دست آورند تا آن که وقت خود را در مدرسه به خواندن تاریخ و جغرافیا و اصول زبان و ادبیات تلف کنند.

همه این اشکالات و ایرادات به جاست، ولی خوشبختانه این اتفاقات ناگوار و اوضاع نامساعد عمومیت ندارد و بالنسبه جزو موارد استثنایی است و فقط در بعضی ممالک و پاره‌ای از مدارس نظایر آن دیده می‌شود. مسلم است که مسائل فوق را نمی‌توان نادیده گرفت و دیر یا زود باید علاجی بر این مفاصد پیدا کرد. ولی به طور کلی ملاحظه می‌کنیم که در همه جای دنیا اساس کار تعلیم و تربیت بر پایه حسن تفاهم و همکاری و صمیمیت معلم و شاگرد استوار است و مدارس و دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌ها با اصول صحیح و تا آن جا که میسر است به پرورش نسل جوان خدمت می‌کنند.

حال برگردیم به موضوع اصلی و ببینیم که در میان چنین اوضاع نامساعد و ملال‌آور یک معلم چه باید بکند. آیا کار کردن با شاگردانی ستیزه‌جو و لجام گسیخته که دشمن درس و مدرسه و معلم‌اند و حتی جلب محبت ایشان امکان‌پذیر هست؟

اولین احساس معلم خوب نسبت به چنین شاگردانی باید غمخواری و همدردی باشد بدون آن که این حس به صورت ترحم درآید؛ زیرا ترحم آن‌ها را بیشتر غمگین و انتقامجو می‌سازد. معلم باید خود را چون طبیبی بداند که موظف است عده‌ای بیمار را معالجه کند. واضح است که یک طبیب عاقل و فهیم حتی اگر بداند که مریضش از روی بی‌احتیاطی و یا به عمد خود را بیمار ساخته، در اولین برخورد او را مورد سرزنش و تحقیر قرار نمی‌دهد و با کمال دلسوزی و ملایمت قبل از هر چیز به معالجه او می‌پردازد. این پسران و دختران گاهی قربانی ناآگاهی، بی‌عدالتی، آشفتگی، اشتباهات و بدرفتاری‌های والدین خود هستند.

این جوانان قبل از این که مردمانی بالغ و کامل گردند از روی شعور و انتخاب شخصی دست به هیچ کاری نمی‌زنند؛ بلکه فقط در مقابل فشارها و تحریکات محیط عکس‌العملی سریع و بیشتر اوقات نسنجیده از خود نشان می‌دهند. برای تربیت آن‌ها باید با نهایت بردباری و غمخواری به ایشان رسیدگی کرد و قبل از هر چیز مواظبشان بود که از روی شرارت و تندخویی به خود و اطرافیان‌شان صدمه‌ای نزنند.

در هر حال، تردیدی نیست که وضع معلمانی که در میان شاگردانی بد بار آمده و لجوج و بی‌علاقه به کار، مشغول تدریس هستند بسیار سخت و حتی خطرناک است و فشاری که در مواقع کار بر روح و اعصابشان وارد می‌آید، آن‌ها را به قدری آزرده و خسته می‌سازد که دیگر هیچ نمی‌شود انتظار داشت که هنگام فراغت و در خارج مدرسه نیز از طرف ایشان در راه اصلاح اوضاع مدرسه و محیط کوشش و اقدامی به عمل آید. به نظر ما این خدمت‌گزاران دلیر و فداکار، وظیفه خود را نسبت به جامعه و نسل جوان به وجه احسن انجام می‌دهند. چیزی که ضرورت دارد این است که مقامات دولتی و عموم پدران و مادران و دیگر افراد هر شهر و ناحیه نیز به سهم خود دست کمک و معاضدت به سوی معلم دراز کرده، او را در این امر خطیر تنها نگذارند.

علاوه بر مطالبی که گفته شد، برخی مهارت‌های ارتباطی وجود دارد که با یادگیری و تسلط بر آن‌ها می‌توان برخورد مؤثرتری با دانش‌آموزان شرور داشت که در مقالات بعدی به آن مهارت‌ها خواهیم پرداخت.

و اگر شما همکار محترم در این زمینه تجربه‌ای دارید، آن را به دفتر مجله ارسال کنید تا از آن برای سایرین استفاده شود.

منابع

۱. گیلبرت، هایت (۱۳۵۱). هنر معلمی یا معلم و شاگرد. ترجمه پرویز مرزبان. تهران: انتشارات ابن‌سینا (چاپ چهارم).
۲. گوردون، توماس (۱۳۸۴). فرهنگ تفاهم در مدرسه. ترجمه پریچهر فرجادی. تهران: انتشارات آیین تفاهم.

برای تربیت نوجوانان و جوانان باید با بردباری و غمخواری رفتار کرد

مقاله نویسی

جعفر ربانی

در شماره قبل خواندید که:

— مقاله نویسی از دوره مشروطه به بعد به کشور ما آمد و به مطبوعات و روزنامه‌ها راه یافت.

— ویژگی‌های مقاله عبارت است از: داشتن موضوع دقیق و مشخص، نثر ساده، مستند، مستدل و در صورت لزوم متکی به منابع صحیح بودن، حجم مناسب، دارای طرح و نقشه، و منتج به نتیجه‌ای روشن.

— برای کسب مهارت در مقاله نویسی، هیچ راهی بهتر از خواندن مقالات بسیار و البته از نویسندگان طراز اول و توانا آن هم به طور مرتب و پیوسته نیست.

اکنون به بخش دوم و پایانی مقاله نویسی و به انتهای این مجموعه می‌رسیم که امیدواریم توانسته باشیم انگیزه لازم را در علاقه‌مندان به نوشتن به وجود آوریم.

همان‌طور که در بالا هم اشاره شد، مقاله نویسی نوعی «مهارت» است و هیچ مهارتی را نمی‌توان بدون «عمل» به دست آورد. همه دانش‌آموزان، سال‌های نسبتاً زیادی را در مدارس به آموزش زبان انگلیسی می‌گذرانند، اما بسیار اندک‌اند کسانی از این خیل عظیم که واقعاً در این رشته مهارتی - حتی در حد متوسط - کسب کنند. چرا؟ زیرا ما زبان را از راه روخوانی و مقداری هم به حافظه سپردن قواعد یا گرامر زبان به دانش‌آموزان یاد می‌دهیم که البته نتیجه‌ای هم عاید آن‌ها نخواهد شد. حال این را قیاس کنید با کسب همه مهارت‌ها و از جمله نوشتن و مقاله نویسی. این مقدمه را برای این آوردیم تا به همکاران عزیز - البته آن‌ها که علاقه به نویسندگی و نوشتن دارند - یادآوری کنیم که ما ضرورتی برای طول و تفصیل دادن به این نوشته‌ها نمی‌بینیم و از این جهت شما را - اگر می‌خواهید - به انبوه کتاب‌های انشا و نویسندگی و... احاله می‌دهیم. اما آن‌چه جداً از شما طلب می‌کنیم این است که برای نوشتن و توانا شدن در نوشتن قطعه ادبی، خاطره نویسی، نقد نویسی، مقاله نویسی و... بخوانید و بخوانید و بخوانید.

اینک در پایان شما را به خواندن سه مقاله کوتاه دعوت می‌کنیم: مقاله‌ای در علوم (کانگورو)، مقاله‌ای در تربیت نسل جوان (از دکتر سیدجعفر شهیدی) و مقاله‌ای هم

در زندگی‌نامه (از سیروس غفاریان). این سه مقاله نمونه‌ای از کوتاه، ساده و روشن نوشتن است. این مقاله‌ها را بخوانید و در آن‌ها تأمل کنید آن‌گاه خود دست به قلم شوید و مقالاتی کوتاه بنویسید؛ البته اگر می‌خواهید گام اول را بردارید؛ و گرنه چه بسا خودتان نویسنده بوده و نیازی به این توصیه‌ها نداشته باشید که آن بحث دیگری است. ضمناً خاطر نشان می‌سازیم که سه مقاله مذکور را از شماره‌های سابق مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی (شماره ۱۳۷۸/۲۳) و نیز مجله پیک معلم و دانش آموز (۱۳۵۲) انتخاب کرده‌ایم.

○ کانگورو

حیوانی که کیسه دارد

کانگورو بزرگ‌ترین پستاندار کیسه‌دار علف‌خوار است که در استرالیا و جزایر اطراف آن زندگی می‌کند. نکته جالب توجه در ساختمان بدن کانگورو آن است که پاهای عقبی و دم حیوان رشد فوق‌العاده پیدا کرده‌اند، در حالی که قسمت جلو بدن و مخصوصاً دست‌های کوچک و لاغر باقی مانده‌اند. این شکل بدن آمادگی خاصی برای جهیدن به کانگورو داده است. کانگورو در حال ایستاده روی پاهای عقبی و دم نیرومندش تکیه می‌کند. هنگام چرا هر چهار دست و پای خود را به زمین می‌گذارد. هنگام جهیدن، بدنش تقریباً موازی سطح زمین قرار می‌گیرد و در هر جهش فاصله‌ای در حدود ۵ تا ۱۰ متر را می‌پیماید. کانگوروهای بزرگ از بالای مانعی به ارتفاع ۱/۵ متر به آسانی می‌جهند. سر کانگورو کوچک و شبیه سر گوزن است. بسیاری از انواع آن گوش‌های دراز و پوزه کشیده دارند.

کانگورو حیوان ترسویی است و به حیوانات دیگر حمله نمی‌کند. چون در فرار کردن بسیار سریع است و حس بینایی، شنوایی و بویایی بسیار نیرومند دارد، به آسانی

○ تربیت در گذر نسل‌ها

حسن بصری زاهد و عالم و تابعی معروف، از روزگار و از معاشران خود گله کرد و گفت چه گناهی کرده بودم که کیفر آن جدا ماندن از اصحاب رسول خدا و هم‌نشینی با شما بود؟ کودکی نوجوان که در گوشهٔ مجلس نشسته بود گفت ای شیخ! پس اصحاب رسول خدا چه گناهی کرده بودند که آنان را به محروم ماندن از صحبت رسول و زیستن با مانند شما کیفر دادند.

هم‌چنین از عایشه روایت می‌کنند که گفت: خوش به حال لبید، اگر زمان ما را دیده بود چه می‌گفت؟ عروه که این حدیث را روایت می‌کند، گفت: خدا عایشه را بیامرزد، اگر زمان ما را دیده بود چه می‌گفت؟ دیگری پس از او گفت: خدا عروه را بیامرزد اگر زمان ما را دیده بود چه می‌گفت؟ زبیدی راوی پس از او گفت: خدا رحمت کند زهری را اگر زمان ما را دیده بود چه می‌گفت؟ محمد بن مهاجر گفت: خدا رحمت کند زبیدی را! اگر عصر ما را دیده بود چه می‌گفت؟ عثمان بن سعید گفت: خدا رحمت کند محمد بن مهاجر را! اگر عصر ما را دیده بود چه می‌گفت؟ ابو حمید گفت: خدا عثمان را رحمت کند اگر عصر ما را دیده بود چه می‌گفت و من که ابن جریر [طبری] هستم می‌گویم: خدا ابو حمید را رحمت کند، اگر عصر ما را دیده بود چه می‌گفت؟

می‌بینیم همهٔ این بزرگان از نسل نو شکایت دارند و می‌پندارند نسل گذشته در رعایت اصول اخلاق و عمل به احکام دین بر جوانان معاصر آنان برتری داشته است. اما آیا ما می‌توانیم مثلاً نسلی را که با آخرین راوی حدیث یعنی ابن جریر می‌زیسته بی‌دین و یا فاسدالاخلاق و یا گستاخ و عاری از تربیت درست بدانیم؟ هرگز! ما در عمل می‌بینیم هر یک از این پنج تن که نمایندهٔ نسل گذشته بوده‌اند و می‌دیدند که نسل نو سنت‌ها و رسم‌های آنان را نمی‌پذیرد و راهی جداگانه در پیش گرفته است خشمگین شده و آنان را به باد انتقاد گرفته است و بر گذشته‌ای که خود در آن تربیت شده دریغ می‌خورد. هرگاه در چنان عصری که جامعه‌ها از یکدیگر جدا می‌زیسته‌اند و یا لاقلاً ارتباطی را که امروز با هم دارند نداشته‌اند، نسل سالخورده دربارهٔ نسل نو چنین قضاوتی کرده است، معلوم است که این داوری در عصر ما چگونه خواهد بود. بی‌گمان بین عصر ما و ابن جریر شکافی بزرگ وجود دارد، اما نه شکافی که زمان آن را پدید آورده باشد؛ این فاصله را هم بستگی مردم این عصر با یکدیگر پدید آورده است.

در عصر ما دنیا تقریباً به صورت یک واحد اجتماعی درآمده است. آن‌چه در دنیای غرب رواج می‌یابد، شرق آن را تقلید می‌کند. چرا؟ شاید فقط به خاطر آن‌که به گمان او غرب پیشرفته است، یا شاید برای آن‌که نگویند از قافلهٔ روشنفکری عقب مانده است. پس می‌توانیم بگوییم این مشکل گذشته از آن‌که مشکل عصر ما هست مشکل اجتماع ما هم هست. مشکل همهٔ ملت‌ها و همهٔ کشورها، مشکل همهٔ جهان، مشکل غرب پیشرفته و شرق به اصطلاح عقب‌مانده. و به قول معروف: «به هر کجا که روی آسمان

می‌تواند از جنگ دشمن بگریزد، اما اگر در تنگنا قرار گیرد، سخت از خود دفاع می‌کند.

کانگورو هنگام دفاع در برابر دشمن، بر دم خود تکیه می‌کند و از هر چهار دست و پایش برای مغلوب کردن حریف استفاده می‌کند. ضربه‌های محکمی که با پاهای خود وارد می‌آورد بسیار کارگرند. گاه سگ‌های شکاری را با همین ضربه‌ها از پای در می‌آورد.

پنجه‌های پاهای کانگورو سلاح خوبی برای او به شمار می‌روند. هر یک از پاهای عقبی دارای چهار انگشت است که یکی از آن‌ها به چنگال تیز و درازی منتهی می‌شود.

در بعضی از سیرک‌ها، از مبارزهای که کانگورو با حریف خود می‌کند و از ضربه‌هایی که به او وارد می‌آورد برای سرگرم کردن تماشاکنندگان استفاده می‌کنند. برای این کار، به دست‌های حیوان دستکش بوکس می‌پوشانند. در این مبارزه، هر یک از دو حریف، ضربه‌های حریف دیگر را با ضربه‌های متقابل خود پاسخ می‌دهد.

کانگوروی ماده هر بار معمولاً سه بچه می‌آورد، اما فقط یکی از بچه‌های خود را بزرگ می‌کند. نوزاد کانگورو هنگام تولد بسیار ریز و نارس است و معمولاً طول بدنش، حتی در کانگوروهای بزرگ، بیش از چند سانتی‌متر نیست. به همین سبب مدت‌ها تصور می‌کردند که کانگوروی ماده نوزاد خود را پس از تولد به دهان می‌گیرد و آن را در کیسهٔ خود جای می‌دهد، اما مشاهدات متعددی که به عمل آمده نشان می‌دهند که نوزاد کانگورو به کمک چنگال‌های دست از بدن مادر بالا می‌رود و خود را به کیسهٔ مادر می‌رساند و در داخل آن قرار می‌گیرد. کیسهٔ کانگورو که شبیه جیب است شامل چهار پستان است. نوزاد کانگورو وقتی که وارد کیسهٔ مادر شد، از پستان مادر شیر می‌خورد و چندین هفته و حتی چندین ماه در داخل کیسه باقی می‌ماند.

کانگورو در جنگل‌های استوایی و هم‌چنین در دشت‌های وسیع و هموار زندگی می‌کند. بعضی از انواع کانگورو بالای درخت‌ها زندگی می‌کنند و از میوه و برگ و ریشهٔ آن‌ها تغذیه می‌کنند. کانگوروهایی که در دشت‌های وسیع زندگی می‌کنند، به صورت گله از نقطه‌ای به نقطهٔ دیگر می‌کوچند. بیشتر غذای آن‌ها را گیاهان تشکیل می‌دهند. کانگورو دندان‌های بسیار تیزی دارد و علف‌ها را از ریشه قطع می‌کند. به همین سبب است که وجود کانگوروها برای مراتع و در نتیجه برای گله‌داری زیان‌آور است.

کانگوروها، هم از لحاظ رنگ پوست و هم از لحاظ کوچکی و بزرگی بسیار متفاوتند. یکی از انواع کوچک آن‌که والبی^۱ نامیده می‌شود به بزرگی خرگوش است. در حالی که طول بدن کانگوروهای بزرگ، از پوزهٔ حیوان تا محل رویش دم به ۲ متر می‌رسد و وزن بدن آن‌ها در حدود ۱۰۰ کیلوگرم است.

دو نوع از بزرگ‌ترین انواع کانگورو نوع قرمز و نوع خاکستری است.

بومیان استرالیا گوشت کانگورو را می‌خورند. از پوست آن برای ساختن چرم استفاده می‌شود. از پوست والبی کفش، دستکش و کیف‌های ظریف درست می‌کنند.

مقاله‌نویسی نوعی
«مهارت» است و هیچ
مهارتی را نمی‌توان
بدون «عمل» به دست
آورد

همین رنگ است».

حالا اگر کسی یا کسانی پای‌بند مقررات دینی باشند و بخواهند بدانند دین در این باره چه نظری دارد و پیروی نسل نو را از سنت‌ها و آداب گذشتگان تا چه حد لازم می‌داند و تا چه اندازه به آنان استقلال در عمل و آزادی در اتخاذ تصمیم می‌دهد، باید چه کنند؟ آیا مانند ابن جریر و آنان که پیش از وی بودند، هر نسل سالخورده باید نسل نو را از خود براند و آنان را از خویشستن جدا بداند و بگوید: افسوس که مردان مسلمان همه رفتند؟ اگر پدری بخواهد فرزند خود را به آیین دین بپروراند چنان‌که در برابر خداوند خود را تقصیر کار نداند چه وظایفی را باید انجام دهد؟ و تا کی انجام دهد؟ و مقصود از تربیت دینی چیست؟ و دین در این باره چه نظری دارد؟ باید توجه داشته باشید که وقتی سخن از تربیت نسل جوان از دیدگاه دین، به میان می‌آوریم مقصود از دین، فقط کتاب خدا و سنت رسول نیست، بلکه نظر فیلسوفان و عالمان علم اخلاق اسلامی نیز که بی‌گمان در طول بیش از دوازده قرن در اعتقادات، سنت‌ها و تربیت‌های اجتماعی اثری عمیق نهاده‌اند، باید بررسی شود تا بدانیم نظر این اندیشمندان چه اندازه از کتاب خدا و سنت رسول (ص) گرفته شده است، و چه مقدار آن رأی و اجتهاد شخصی ایشان است که از مصلحت‌های اجتماعی زمان ایشان ناشی گردیده است. زیرا آن‌چه از کتاب و سنت گرفته شده باشد، باید پیروی کرد، اما در آن‌چه مبنی بر رعایت مصلحت‌های اجتماعی و آداب قومی است می‌توان تصرف نمود؛ زیرا سنت‌ها و مصلحت‌های هر مردمی به تناسب زمان و مکان و به مقدار تغییر شرایط و اسباب، دستخوش تحول خواهد بود. دکتر سیدجعفر شهیدی^۱

○ طبری شیخ المورخین جهان اسلام (۲۲۴-۳۱۰ه.ق) ابوجعفر محمد بن جریر بن کثیر بن غالب طبری آملی معروف به شیخ المورخین در ۲۲۴ه.ق در آمل از شهرستان‌های طبرستان (مازندران) به دنیا آمد. تا سن دوازده

برای نوشتن و توانا شدن
در نوشتن قطعه ادبی،
خاطره‌نویسی، نقدنویسی،
مقاله‌نویسی و... بخوانید و
بخوانید و بخوانید



سالگی مقدمات علوم زمان را در زادگاهش فراگرفت. خود او در مورد دوران خردسالی‌اش می‌گوید: «در هفت سالگی قرآن را از حفظ کردم، در هشت سالگی برای مردم نماز گزاردم و در ۹ سالگی پاره‌ای از احادیث را نگاشتم». سپس اضافه

می‌کند که به خاطر رویایی که به سراغ پدرش آمده بود، پدر از دوران خردسالی به تحصیل او در علوم دین اهتمام نشان داده است؛ بنابراین از ۱۲ سالگی به تشویق پدرش به «ری» رفت. در آن زمان شهر ری یکی از بزرگ‌ترین شهرهای ایران و از نظر آموزش علوم زمان سرآمد شهرهای ایران بود. در ری از محمد بن حمید رازی حدیث فراگرفت و مغازی آثار ریخ جنگ‌های پیامبر را از محمد بن اسحاق واقدی آموخت؛ سپس عازم بغداد شد و زمانی به آن شهر رسید که چند روزی از مرگ احمد بن حنبل می‌گذشت. طبری از بغداد به واسط رفت و علم حدیث را تا جایی که توانست فراگرفت. از آن پس او به عنوان یک فقیه براساس مذهب شافعی فتوی می‌داد.

محمد بن جریر پس از مدتی بین‌النهرین را ترک گفت و برای آشنایی با اصحاب رأی عازم مصر شد. او در این سفر از طریق شام و بیروت طی طریق کرد و در ۲۵۳ه.ق هنگام حکومت احمد بن طولون به مصر وارد شد و سه سال در آن دیار اقامت نمود و در شهر فسطاط مصر نزد پاره‌ای از دانشمندان آن دیار تلمذ کرد. طبری در طول این سفرها کلیه سفرنامه‌ها و رحله‌هایی را که حاوی تاریخ و جغرافیای قبل از زمان خود بود مورد مطالعه قرار داد. او پس از اقامت سه ساله خود در مصر از طریق شام به بغداد بازگشت و پس از مدت کوتاهی برای دیدار موطنش راهی طبرستان شد و به آمل آمد و این در سال ۲۹۰ه.ق بود. طبری پس از آن‌که محیط آمل را برای ادامه تحصیل خود مساعد ندید به بغداد بازگشت و در محله «رحیه یعقوب» اقامت نمود و مطالعات خود را ادامه داد. او ضمن آن‌که معلومات خود را در تاریخ، فقه، حدیث تکمیل می‌کرد، شاگردانی نیز تربیت نمود. زمانی که در محله «قنطره البردان» بغداد اقامت داشت، تحریر تاریخ خود را به نام «تاریخ الامم و الملوك» یا «اخبار الرسل و الملوك» که همان تاریخ طبری است به زبان عربی آغاز کرد. او که روزانه چهل برگ از تاریخ خود را جمع‌آوری می‌کرد، جمعاً چهل سال صرف نوشتن تاریخ طبری نمود. بدین ترتیب که از ۴۸ سالگی شروع به جمع‌آوری نسخه‌های پراکنده رحله‌ها و سفرنامه‌ها نمود و از ۶۵ سالگی به طور مستمر در بغداد یادداشت‌های پراکنده خود را به مدت ۲۳ سال تنظیم کرد تا آن‌که قبل از مرگش آن را به پایان رسانید. او به موازات تنظیم تاریخ خود به خواش «المكتفی» خلیفه عباسی کتابی در زمینه وقف نوشت که حاوی آرای تمام دانشمندان و فقهای مسلمان تا آن زمان بود. ضمناً کتابی به نام «الفضائل» نوشت که دربردارنده زندگی خلفای راشدین و اثبات و صحت حدیث غدیر بود و این کتاب را با ذکر فضائل حضرت علی (ع) به پایان رسانید. او علاوه بر تاریخ مشهور و کتاب‌های دیگرش، کتاب معروف جامع البیان را نیز در تفسیر قرآن نوشت. طبری در طی سفرهای زیادی که داشت، سیره‌نویسان متعددی را در جهان اسلام ملاقات کرد و اطلاعات زیادی از آن‌ها کسب نمود. طبری در سن ۸۸ سالگی در خانه مسکونی خویش به روز یکشنبه دو روز مانده از شوال ۳۱۰ه.ق در بغداد درگذشت و در همان جا مدفون شد. (اسیروس غفاریان)

پی‌نوشت

چهارچرخ مدیریتی

سپیده شهیدی

باعث دور شدن دانش‌آموزان از فضای درس و پرداختن آن‌ها به موضوعات دیگر شود. هم‌چنین همیشه باید یک نسخه پشتیبان (backup) از برنامه مورد استفاده وجود داشته باشد تا در صورت بروز مشکلات احتمالی در برنامه، بتوان از آن استفاده کرد.

○ **زمان:** در بودجه‌بندی زمان کلاس، ایجاد یک جدول زمانی برای اجرای برنامه‌های آموزشی بسیار مؤثر است. تعیین مهلت زمانی امری ضروری است، زیرا به ایجاد حس مسئولیت‌پذیری در بچه‌ها کمک می‌کند. دانش‌آموزان با یادگیری مهارت‌های لازم برای دنبال کردن جدول زمانی و رعایت مهلت‌های تعیین شده، می‌توانند با پی‌گیری کمتری از سوی معلم، خود به طور مستقل به انجام کار بپردازند.

مدیریت مؤثر این‌گونه کلاس‌ها، نیازمند آن است که معلمان در همان ابتدای سال تحصیلی، قوانین و روش‌های استفاده از فناوری در مدرسه را، به طور شفاف برای دانش‌آموزان توضیح دهند. هر مدرسه باید در مورد رفتارهای مناسب هنگام کار با ابزارهای فناوری در کلاس، قوانین کاربری مشخصی داشته باشد که به امضای دانش‌آموزان و اولیا برسد. هم‌چنین معلمان باید با تأکید بر اجرای این قوانین در کلاس و هنگام کار، آن‌ها را کاملاً برای بچه‌ها جا بیندازند. این امر به پیش‌بینی مسائل احتمالی و تصمیم‌گیری برای چگونگی مواجهه با آن‌ها کمک می‌کند و باعث می‌شود معلم قبل از تشدید مشکلات کلاس، درصدد رفع آن‌ها برآید.

گاهی لازم است دانش‌آموزان پیش از آمدن به کلاس، مهارت‌های مورد نیاز کامپیوتری خود را که قبلاً آموخته‌اند، مرور کنند. این کار به پیشرفت کلاس کمک می‌کند؛ زیرا در این صورت دانش‌آموزان می‌توانند به محض نشستن پشت کامپیوترها، آماده شروع کار شوند. معلم باید فعالیت‌های یادگیری مؤثری را طراحی کند تا دانش‌آموز به سادگی با پیروی از دستورالعمل‌ها، حداکثر نتیجه را از کار با ابزارهای فناوری به دست آورد.

در شماره قبل گفته شد که استفاده از فناوری در کلاس، نیازمند برنامه‌ریزی و مدیریت مؤثر کلاس است. تنها در این صورت است که می‌توان از چنین کلاسی انتظار یادگیری و بازدهی مناسب داشت. یکی از روش‌های مناسب برای اداره این‌گونه کلاس‌ها، گروه‌بندی دانش‌آموزان با در نظر گرفتن مهارت‌های کامپیوتری، درسی و ویژگی‌های رفتاری آن‌هاست. هم‌چنین باید در نظر داشت که فعالیت‌ها به گونه‌ای طراحی شوند که هیچ دانش‌آموزی در مدت زمان کلاس، بی‌کار نماند. بررسی کار دانش‌آموزان و گرفتن بازخورد در زمان‌های مختلف نیز از ملزومات استفاده از فناوری در کلاس است.

داشتن برنامه مدیریت کلاس در تمام ساعات تدریس بسیار مهم است ولی اهمیت آن، هنگامی که دانش‌آموزان از فناوری استفاده می‌کنند، پررنگ‌تر است. زیرا در صورت نقص در مدیریت، دانش‌آموزان با دسترسی به یک ابزار فناوری چندمنظوره، به راحتی از موضوع درس خارج شده و به فعالیت‌های غیردرسی می‌پردازند. چنین طرح درسی باید، در چهار محور اصلی مدیریت شود:

○ **آموزش:** مسئله اصلی این است که چگونه دستورالعمل‌ها، اهداف آموزشی، استانداردهای برنامه تحصیلی و فعالیت‌های عملی به دانش‌آموزان منتقل شود. هر یک از این موارد باید در طرح درس به صورت دقیق و بدون ابهام، مشخص شوند.

○ **کلاس:** مدیریت کلاس باید از طریق مشارکت گروه‌های دانش‌آموزی در موضوع مورد بحث، و نیز مشغول نگه داشتن آن‌ها با فعالیت‌های مناسب در تمام مدت تدریس انجام شود.

○ **فناوری:** اطمینان از این که آیا منابع فناوری محدود شده هستند یا نه، امری ضروری است. زیرا در دسترس بودن منابع نامحدودی از این دست، ممکن است

در بودجه‌بندی زمان کلاس، ایجاد یک جدول زمانی برای اجرای برنامه‌های آموزشی بسیار مؤثر است

منبع
<http://www.nelliemuller.com/effectiveclassroommanagement/strategiesfortechology.htm>

ترجمه: معصومه خیرآبادی



چگونه سخنرانی کنیم که حوصله شنوندگان سر نرود؟

شنیدن سخنرانی را ندارند. به مناسبت‌های مختلف، کارشناسان و صاحب‌نظران با حضور در رسانه‌ها یا همایش‌ها سخنرانی ایراد می‌نمایند، اولیای مدرسه با حضور در جایگاه به سخنرانی می‌پردازند و معلمان برای این منظور از کلاس درس استفاده می‌کنند. به نظر شما چنین برنامه‌هایی چه قدر با استقبال مواجه می‌شوند و تأثیر کلام سخنوران به چه میزان بر روی شنوندگان ماندگار است؟

جلسات خسته‌کننده

معمولاً میزان توجه افراد شرکت‌کننده در سخنرانی‌ها کم است و سطح اطلاعات آن‌ها پس از شنیدن سخنرانی، به اندازه مورد انتظار افزایش نمی‌یابد. اگر سخنرانی طولانی باشد، با گذشت زمان رفته رفته از تعداد حضار کاسته می‌شود. در بسیاری از موارد، سخنرانی ناظم مدرسه در مراسم صبحگاه لزوماً به اجرای بهتر مقررات منجر نخواهد شد. حتی



سخنرانی مادر باره
یک موضوع بیش از ۱۵
دقیقه طول نکشد

چندی پیش یکی از برنامه‌های تلویزیونی اقدام به پخش تصاویری از افراد شرکت‌کننده در همایش‌ها می‌کرد که هنگام شنیدن سخنرانی به خواب رفته بودند. به نظر می‌رسد افراد تحمل

والدین تمایلی به حضور در جلسات مدرسه و شنیدن حرف‌های تکراری ندارند. ممکن است هر یک از ما این موقعیت را تجربه کرده باشیم که در زمان دانش‌آموزی سر بعضی از کلاس‌ها خوابمان برده یا برای شنیدن صدای زنگ و رها شدن از رنج شنیدن یک سخنرانی طولانی لحظه‌شماری کنیم.

ویژگی‌های سخنرانی

یک سخنران چه نکاتی را باید رعایت کند تا بتواند مخاطبان را نسبت به موضوع علاقه‌مند نموده و آن‌ها را با خود همراه کند؟ یک سخنرانی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد تا قابل تحمل و اثربخش باشد؟ دیانه تریم پس از سال‌ها تدریس، تجربیات خود در این زمینه را در قالب راهکارهایی ارائه نموده که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم:

* تا حد ممکن سخنان خود را کوتاه بیان کنیم. باید توجه داشته باشیم سخنرانی ما درباره یک موضوع بیش از ۱۵ دقیقه طول نکشد. بهتر است طوری زمان‌بندی کنیم که هر ۱۵ دقیقه موضوع بحث تغییر کند. هر چه قدر سخنرانی کوتاه‌تر باشد، مخاطبان کمتر احساس بی‌حوصلگی کرده و بیشتر توجه نشان می‌دهند.

* نشستن طولانی مدت باعث خواب‌آلودگی می‌شود. بنابراین بهتر است زمان‌بندی ما شامل فعالیت‌هایی باشد که مخاطبان را به تحرک وادارد یا آن‌ها را وارد بحث‌های گروهی کند.

* اگرچه موضوع مورد بحث باید هر ۱۵ دقیقه تغییر کند، اما لازم است قبل از پرداختن به موضوع جدید، بحث قبلی را به سرانجام برسانیم. نیمه‌کاره رها کردن موضوع و وارد شدن به موضوعی دیگر رشته کلام را بریده، سردرگمی و درنهایت بی‌حوصلگی ایجاد می‌کند. به منظور تمرکز بر موضوع اصلی، داشتن یک طرح موضوع واضح لازم است. هم‌چنین می‌توان از روش خلاصه کردن و تعیین رئوس مطالب نیز بهره برد.

* تا حد امکان موضوعات مورد بحث را به زندگی روزمره نزدیک کنیم تا قابل فهم باشند. حتی هنگام تدریس معادله چندمجهولی در کلاس ریاضی باید بکوشیم آن را با دانش پیشین، تجربیات و علایق دانش‌آموزان هماهنگ کنیم. ملموس کردن مطالب

دشوار، توجه مخاطبان را جلب کرده و میزان درک آن‌ها را افزایش می‌دهد.

* شنونده بودن حوصله افراد را سر می‌برد. بنابراین بهتر است از آنان سؤال بپرسیم و به آن‌ها فرصت صحبت کردن بدهیم. با مشارکت دادن شرکت‌کنندگان در سخنرانی (یا دانش‌آموزان در ارائه درس) آن‌ها را با خود همراه خواهید کرد.

* از جذابیت‌های دیداری بهره ببریم. افراد دوست دارند هنگام شنیدن یک مطلب، تصاویر مربوط به آن را نگاه کنند. این روش می‌تواند به عنوان راهی طبیعی برای جلب توجه مخاطبان در هر سخنرانی مورد استفاده قرار بگیرد. بنابراین در صورت امکان می‌توانیم اسلایدهایی در قالب PowerPoint تهیه کنیم که هنگام ارائه موضوع به نمایش درآیند. استفاده از عکس‌ها، پوسرها و تصاویر رنگی به جای به کارگیری کلمات بی‌شمار، در مخاطبان انگیزه‌ای برای شنیدن ایجاد می‌کند.

* در محل سخنرانی (یا کلاس درس) حرکت کنیم. به جای ثابت ماندن در جلو کلاس یا محل تربیون، بهتر است در سرتاسر محوطه قدم بزنیم. اگر نیاز داریم مطالبی را روی تخته بنویسیم، بهتر است از یک داوطلب کمک بگیریم. در این صورت، مجبور نخواهیم بود در یک نقطه به طور ثابت قرار داشته باشیم. حرکت کردن در بین شنوندگان از بی‌حوصلگی آن‌ها جلوگیری کرده و علاقه به شنیدن را افزایش می‌دهد. قدم زدن در بین دانش‌آموزان هنگام صحبت کردن با آن‌ها، باعث جلب توجه بیشتر می‌شود.

○ نظر شما درباره این مطلب چیست؟

منبع

مطلب فوق ترجمه مقاله‌ای است با عنوان «۶ راه جذاب نمودن سخنرانی» (Six Ways to Make a Classroom Lecture Interesting) نوشته دیانه تریم (Diane Trim) در سال ۲۰۱۰ و برگرفته از وبگاه insidetheschool.com. وبگاه مذکور با هدف توجه به نیازهای معلمان، توسط شرکتی با همین نام اداره می‌شود.

دیانه تریم به عنوان مدیر تحریریه این وبگاه، معلمی کارآموده است. وی به دو زبان انگلیسی و فرانسه تسلط دارد و در دبیرستان انگلیسی و روزنامه‌نگاری تدریس می‌کند. وی مسئولیت تهیه محتوای این وبگاه که شامل تهیه متون، فیلم‌های ویدیویی و مشاوره می‌شود را بر عهده دارد. تریم مشاوره‌هایی ترتیب می‌دهد که مسائل رایج معلمان را مورد بررسی قرار می‌دهند، از تجربیات شخصی استفاده می‌کنند و به برنامه‌های کاربردی تحقیقات انجام شده در روش‌های فعلی آموزشی می‌پردازند.

در محل سخنرانی (یا کلاس درس) حرکت کنیم. به جای ثابت ماندن در جلو کلاس یا محل تربیون، بهتر است در سرتاسر محوطه قدم بزنیم

دکتر احمد مختاریان

معلم خوردن از بهر علمی

دانستنی‌هایی درباره غذای معلم

بدن به دلایل مختلف دچار ضعف و ناتوانی می‌شود. یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین علت‌های آن، بهره نبردن از مواد غذایی مناسب و کافی است. لاغری و چاقی، هر دو باعث ناتوانی و رنجوری بدن می‌شوند. پرخوری (با چاقی و یا بدون چاقی) و کم‌خوری (با چاقی و یا بدون چاقی) زمینه‌ساز بسیاری از ناکارآمدی‌ها در دستگاه‌های مختلف بدن می‌شوند. مهم‌ترین شرط برای حفظ و همچنین ارتقای کارآمدی‌های دستگاه‌های گوناگون بدن، داشتن رژیم غذایی صحیح است. بهترین رژیم غذایی پذیرفته شده در میان دانشمندان علوم تغذیه و بهداشت «رژیم غذایی همه چیز خواری» است. در این رژیم غذایی - همان‌طور که از نام آن برمی‌آید - خوردن انواع و اقسام مواد غذایی ضرورت دارد. زیرا بدن به ترکیبات مختلفی برای ایجاد بهترین نوع انرژی، مواد ساختمانی و مواد تنظیم‌کننده نیازمند است. محدود شدن تعداد و انواع غذاها به چند نوع خاص و تکراری و حذف عمدی و یا تدریجی و ناخواسته برخی دیگر از غذاها - به هر دلیل - نادرست است و بدن را از دسترسی به منابع متنوع محروم می‌سازد و در نتیجه



خوراکی‌های متنوع بخورید

همگان می‌دانند که بخش بزرگی از عمر بشر صرف تأمین انرژی و مواد مورد نیاز بدن می‌شود تا توانایی انجام کارهای گوناگون به دست آید و نیز سلامت بدن دچار اختلال نشود. خوشبختی و سعادت مادی و معنوی انسان نیز در گرو کارکرد درست بدن اوست. تاکنون دیده نشده است که بدن‌های ضعیف و ناتوان و رنجور و بیمار دارای روح قوی، بانشاط و سالم باشند.

موجب پیدایش دو دسته بیماری و نارسایی در بدن می‌شود: یکی مشکلات ناشی از افزایش برخی از چربی‌های زیان‌بار و مواد معدنی بیش از اندازه مورد نیاز و دیگری مشکلات ناشی از کمبود موادی مانند برخی از اسیدهای آمینه ضروری و مواد معدنی. نتیجه این که از همه خوراکی‌ها باید استفاده کرد ولی معیارهای زیر را نیز نباید از دست داد و یا فرو گذاشت:

○ غذاهای طبیعی به مراتب بهتر از مواد مصنوعی هستند؛ مثلاً شیر طبیعی بهتر از شیر خشک است.

○ غذاهای خانگی بهتر از مواد صنعتی هستند؛ مثلاً سیب زمینی سرخ شده خانگی بهتر از چیپس کارخانه‌ای و یا فست فودی است.

○ مقدار غذا بایستی با مقدار فعالیت، سن، جنس، آب و هوا و محیط جغرافیایی افراد تناسب داشته باشد. پس همه چیز بخورید و به اندازه هم بخورید تا بهتر زنده بمانید.

در میان وعده‌های غذایی، صبحانه مهم‌ترین و پایه‌ای‌ترین وعده غذا محسوب می‌شود، شام از درجه دوم اهمیت برخوردار است و ناهار کمترین اهمیت و ارزش را در حفظ و ارتقای سلامت بدن دارد. (بهتر است بین ۲ وعده غذایی حدود ۱۲ ساعت فاصله باشد). به همین دلیل، در این نوشتار به مهم‌ترین ویژگی‌های صبحانه‌ای که معلمان گران قدر باید به آن‌ها توجه کنند می‌پردازیم. صبحانه مفید و مؤثر برای دبیران صبحانه‌ای است که:

● در ساعت ۶ بامداد میل شده باشد. معمولاً بدن مواد غذایی را بین یک تا دو ساعت پس از خورده شدن هضم و جذب می‌کند. ساعت کار بیشتر دبیران ۷:۳۰ صبح است. صبحانه‌ای که در حدود ساعت ۶ بامداد خورده شده باشد می‌تواند مواد مورد نیاز بدن (انرژی‌زاه‌ها و دیگر مواد) را از ساعت ۷:۳۰ در اختیار سلول‌ها به ویژه سلول‌های مغز و قلب قرار دهد.

● حجم صبحانه به اندازه ۱۰ تا ۲۰ لقمه متوسط خواهد بود.

● ترکیبات صبحانه مناسب شامل موارد زیر می‌شود:

✓ تولیدکننده‌های انرژی مانند نان (جو یا گندم)، کمی کره یا خامه یا سرشیر، شیر کم چرب و عسل (نه شکر)؛

✓ تأمین‌کننده‌های کلسیم مانند شیر، پنیر و ماست؛

✓ تأمین‌کننده‌های اسیدهای آمینه مانند تخم مرغ؛
✓ تأمین‌کننده‌های ویتامین‌ها مانند گوجه فرنگی (برای ویتامین C، A)، گردو، پسته، بادام (برای ویتامین‌های گروه B)؛

✓ تأمین‌کننده‌های مواد کمینه مانند آجیل برای آهن، سلنیوم و امگا ۳.

پس در صبحانه شما باید ترکیبی از نان، کمی کره یا سرشیر، عسل، شیر کم‌چرب، پنیر، گردو، بادام، پسته، یک یا دو عدد میوه فصل مانند پرتقال یا انگور، کنجد، موز (برای تقویت فعالیت‌های مغز) چای به ویژه چای سبز برای تقویت سیستم ایمنی و کاهش زمینه سرطان پوست و یا پروستات، تخم مرغ و گوجه فرنگی وجود داشته باشد. البته لازم نیست هر روز همین ترکیب را استفاده کنید؛ زیرا این ترکیب برای صبحانه در طول هفته است؛ هرچند اگر در روزهای بیشتری از هفته رعایت شود بهتر و مفیدتر خواهد بود.

در صورتی که صبحانه شما دارای ترکیبات فوق باشد، علاوه بر این که کارکرد سلول‌های بدن تان در سطح بهتری قرار می‌گیرد، کمتر دچار استرس، عصبانیت و اضطراب خواهید شد. مسلماً معلمی که دارای کمترین استرس و اضطراب باشد از بیشترین سطح موفقیت و محبوبیت برخوردار خواهد شد.

دو سوال

* با صبحانه‌ای که غالباً در مدارس در حدود ساعت ۹ داده می‌شود چه باید کرد؟

پاسخ این است که یا از خوردن آن خودداری کنید و یا با حذف برخی از بخش‌های آن مانند نان و کره و به همراه داشتن مواد غذایی دیگر مانند میوه و یا کشمش آن را به یک میان وعده با ارزش تبدیل کنید.

* آیا جایگزین مناسبی برای برخی از غذاهای فوق وجود دارد؟

پاسخ مثبت است. مثلاً می‌توانید از مرباهای میوه‌ای خانگی به جای عسل و میوه استفاده کنید تا هم میوه مصرف کرده باشید و هم کربوهیدرات لازم را به بدن رسانده باشید و یا مثلاً از شربت‌ها و یا کپسول‌های مولتی ویتامین مینرال به جای منبع‌های اصلی ویتامین‌ها استفاده کنید.

همواره به یاد داشته باشید که آن چه طبیعت به ما ارزانی می‌دارد بسیار ارزشمندتر از آن چیزی است که دست ساخته‌های بشر به انسان ارائه می‌دهد.

بهترین رژیم غذایی پذیرفته شده در میان دانشمندان علوم تغذیه و بهداشت «رژیم غذایی همه چیز خواری» است

پیشرفت زربان

دکتر نیره شاه محمدی

بررسی مهارت‌های معلمان در کشور ژاپن

در رشته آموزش ابتدایی داشته باشد هم چنین جهت تدریس در دوره متوسطه (مقدماتی یا تکمیلی) دارا بودن حداقل مدرک کارشناسی (لیسانس) الزامی است. معلمانی که امکان حضور در کلاس‌ها را ندارند، در دوره‌های برگزار شده توسط دانشگاه‌های از راه دور شرکت می‌کنند. تربیت معلمان به طور معمول در دانشگاه‌های ملی، خصوصی، مدارس عالی و مراکز تربیت معلم و از راه دور صورت می‌گیرد.

اهداف تربیت معلم

هدف اصلی برنامه تربیت و پرورش معلمان ارتقای صلاحیت‌ها و توانایی‌های لازم در آن‌هاست که به اهداف جزئی زیر تقسیم می‌شود:

- * داشتن حس وظیفه‌شناسی به عنوان یک معلم؛
- * شناخت عمیق از رشد و توسعه انسان؛
- * داشتن علاقه به دانش آموزان؛
- * کسب دانش کارشناسی نسبت به موضوعات درسی؛
- * دارا بودن دانش عمومی گسترده؛
- * کسب مهارت‌های کاربردی آموزشی.

برنامه‌های تربیت معلم

افزون بر این ویژگی‌ها و قابلیت‌ها معلمان باید از ویژگی‌ها و قابلیت‌های لازم به ایفای نقش در گستره جهانی و زندگی در حکم یک عضو فعال جامعه در عصر

مدیران ارشد ژاپنی می‌گویند: «ما معتقدیم مبنای پیشرفت هر کشوری در دست معلمان آن کشور است؛ لذا براساس پژوهش‌های جهانی در زمینه آموزش و پرورش، کوشش می‌کنیم با آموزش‌هایی که به معلم می‌دهیم این باور را در او به وجود آوریم که هر کودکی دنیایی ویژه خود دارد. پس معلم باید بکوشد تا نه براساس عادت‌های گذشته، که براساس پژوهش‌های علمی و نوین با دانش آموزان رفتار کند. رفتار مبتنی بر روش‌هایی که پژوهش‌های علمی آن را تأیید کرده باشد، نه تنها یادگیری مؤثر دانش آموزان را با خود خواهد داشت، بلکه مهارت‌های آموزشی و پرورشی معلم را نیز پرورش خواهد داد.»

تربیت معلم در ژاپن از جمله حساس‌ترین و مهم‌ترین مؤلفه‌های نظام تعلیم و تربیت این کشور محسوب می‌شود؛ زیرا موفقیت و عدم موفقیت در ایجاد تحول در هر نظام آموزشی، منوط به توانمندی‌ها و قابلیت‌های حرفه‌ای معلمان است که مجریان اصلی برنامه‌ها در محیط واقعی هستند. در این خصوص ژاپنی‌ها معتقدند که شایستگی هر نظام آموزشی، به اندازه شایستگی معلمان آن نظام است.

آموزش معلمان

در ژاپن کسانی که می‌خواهند در آینده معلم ابتدایی شوند، لازم است فوق دیپلم تربیت معلم یا مدرک لیسانس

در ژاپن، احراز شغل معلمی بسیار دشوار است. کسانی می‌توانند به این جایگاه مهم اجتماعی دست یابند که در آزمون‌های کتبی و مصاحبه‌ها پذیرفته شوند

تمرین عملی

علاوه بر واحدهای در نظر گرفته شده، دانشجویان معلمان لازم است به تمرین عملی دروس فرا گرفته شده در مدرسه بپردازند؛ لذا پنج هفته در طول سال اول و ده هفته در طول سال دوم، تحصیلات آکادمیک خود را تحت نظر معلمان راهنما (معلمان مجرب) و کمیته‌ای مرکب از اعضای تربیت معلم به کارورزی و کسب تجربه در مدارس مشغول می‌شوند.

از آنجایی که فرایند ارزش‌یابی رسمی برای فعالیت‌های دانشجویان وجود ندارد؛ دانشجویانی که واحدهای در نظر گرفته شده را به اتمام برسانند به عنوان فارغ‌التحصیل شناخته شده و گواهی‌نامه‌ی معلمی اخذ می‌کنند. گواهی‌نامه‌ی معلمی براساس استانداردهای وضع شده توسط مقامات ملی اهدا می‌شود. این گواهی‌نامه‌ها به درجات یک و دو (مدرک پیشرفته) تقسیم می‌شوند. جهت تدریس در کلیه مدارس، متقاضی باید گواهی‌نامه‌ی پیشرفته را که در سراسر ژاپن معتبر است، دریافت کند.

تغییرات برخوردار باشند. محتوای برنامه‌ی آموزش عالی معلمان به سه گروه تقسیم‌بندی می‌شود:

○ محتوای مربوط به برنامه‌های درسی مانند آموزش علوم و آموزش ریاضی؛

○ محتوای مربوط به حرفه‌ی تدریس که خود به شش گروه تقسیم می‌شود:

- محتوای مربوط به اهمیت حرفه‌ی تدریس مانند اصول و مبانی آموزش و پرورش، اصول و فلسفه‌ی آموزش و پرورش،

- محتوای مربوط به نظریه‌ها و تئوری‌های پایه‌ی آموزش مانند روان‌شناسی یادگیری، روان‌شناسی پرورشی، روان‌شناسی رشد و روان‌شناسی بازی،

- محتوای مربوط به روش‌های تدریس مانند طراحی آموزشی، فنون و مهارت‌های تدریس ۱ و ۲،

- محتوای مربوط به راهنمایی و مشاوره‌ی تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان مانند اصول و فنون راهنمایی و مشاوره، مشاوره‌ی کودک، مشاوره‌ی شغلی و حرفه‌ای؛

○ محتوای مربوط به برنامه‌ی درسی و حرفه‌ی تدریس، که هدف از ارائه‌ی این گروه دادن انعطاف بیشتر به دانشگاه‌ها

برای ایجاد توازن میان گروه یک و دو است. در این بخش، کلیه‌ی دانشجویان معلمان باید محتوایی را که در استانداردهای برنامه‌ی درسی ملی برای پیش دبستانی یا حوزه‌ی درسی مدارس ابتدایی یا متوسطه ذکر شده است، به صورت جامع و ملی مطالعه کنند. همچنین محتوای مرتبط با روش‌های تدریس را که در گروه دوم مطالعه کرده‌اند در این بخش به طور عملی به تمرین آن می‌پردازند تا برای تدریس عملی آماده شوند. برنامه‌ها به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که دروس نظری با دروس عملی تلفیق شوند.

آموزش فناوری اطلاعات

علاوه بر دروس و محتوای آموزشی یاد شده، در ژاپن به آموزش مهارت استفاده و به کارگیری فناوری اطلاعات توجه ویژه‌ای شده است، لذا در هنگام تربیت معلمان در دوره‌های تحصیلی دانشگاهی سه نوع واحد درسی در این زمینه ارائه می‌شود:

✓ یک واحد درسی ۳۰ ساعته‌ی مهارت‌های پایه‌ی فناوری اطلاعات و ارتباطات؛

✓ یک واحد درسی ۳۰ ساعته‌ی تفکر، یادگیری و تأثیر بهره‌گیری از فناوری آموزشی در کلاس درس که شامل الگوهای طراحی آموزشی، انتخاب، خلق، ارزش‌یابی و تلفیق فناوری آموزشی و مواد و منابع درسی با یکدیگر، ارتقای خلاقیت و تفکر از طریق فعالیت‌های پروژه‌ای فناوری و سازمان‌دهی و مدیریت فعالیت‌های آموزشی با منابع مناسب فناوری اطلاعات در کلاس درس است؛

✓ یک واحد درسی انتخابی ۲۶ ساعته که شامل طراحی و تولید آموزش‌های رایانه محور است. به علاوه ۶ تا ۱۲ ساعت تلفیق فناوری در هر واحد درسی پیشنهاد شده است.

در ژاپن احراز شغل معلمی بسیار دشوار است. کسانی می‌توانند به این جایگاه مهم اجتماعی دست یابند که در آزمون‌های کتبی و مصاحبه‌ها پذیرفته شوند. لذا متقاضیان شغل معلمی حتی پس از فارغ‌التحصیلی و دریافت گواهی‌نامه‌ی معلمی هم نمی‌توانند به طور خودکار آموزگار شوند. آن‌ها می‌بایست در آزمونی که توسط بوردهای محلی یا منطقه‌ای برگزار می‌شود، شرکت کرده و در آن قبول شوند. کسانی که در این امتحان موفق می‌شوند از سال بعد واجد شرایط تدریس در مدارس عمومی هستند، اما از نظر رسمی فقط در محلی استخدام می‌شوند که جای خالی وجود داشته باشد یا به معلمان بیشتری نیاز باشد. در موردی که جای خالی وجود نداشته باشد، پس از گذشت یک سال، یک بار دیگر باید در این آزمون شرکت جویند تا مجدداً واجد شرایط شوند.



کارگاه آموزشی مرتبط با دوره‌های آموزشی کوتاه مدت حرفه‌ای معلمان



است و تمامی معلمان می‌باید در دوره‌های آموزشی کوتاه مدت حین خدمت مرتبط با رشته تدریس خود در سطوح ملی، استانی، شهرستانی و مدرسه‌ای شرکت کنند. هر معلم همچنین باید پس از پنج، ده و بیست سال خدمت آموزشی، دوره‌های آموزشی ویژه‌ای را گذرانده و در دوره‌های بازآموزی شرکت کند. طول دوره‌های مذکور از یک تا نود روز بوده و هر سال نیز حدود پنج هزار معلم برای شرکت در دوره‌های آموزش ضمن خدمت به خارج از کشور اعزام می‌شوند.

دوره‌های آموزشی ضمن خدمت معلمان بر پایه مدل درس پژوهی است. این مدل در کلیه دوره‌های آموزشی اجرا می‌شود و با استفاده از آن پرورش حرفه‌ای معلمان در جهت بهبود روش‌های آموزش صورت می‌گیرد.

بازدید از مدرسه

روش رایج و متداول دیگر در آموزش ضمن خدمت معلمان ژاپن، آن است که معلمان یک مدرسه از مدرسه دیگری بازدید و گزارش تهیه کنند. در این شیوه معلمان احساس می‌کنند که باید بیشتر بیاموزند، با دیگران در ارتباط باشند، علایق و توانایی‌های مشترکی را سازمان‌دهی کنند، با هم همکاری کنند، از یکدیگر بیاموزند و در تدوین هدف‌های مشترک در برنامه‌ها، موضوعات و روش‌های مختلف آموزشی به کمک یکدیگر بشتابند.

این شیوه از آموزش حین خدمت دارای تنوع بسیاری است که مهم‌ترین آن عبارت‌اند از:

- معلمان به عنوان یک برنامه موظف سالانه به نوبت از دست کم یک مدرسه دیدار کرده ضمن بازدید از کلاس‌های درس، گفت‌وگو با همکاران درباره موضوع‌های مختلف تدریس و فعالیت‌های آموزشی مدرسه، گزارشی از مشاهده خود و نکاتی که آموخته‌اند، ارائه می‌دهند.

- از اداره آموزش و پرورش هر منطقه راهنمایان مجرب دعوت می‌کنند تا ضمن بازدید از مدرسه و شرکت در کلاس‌های درس، در گروه‌های مختلف آموزشی معلمان درباره روش‌های عادی بهبود کیفیت فرایند یاددهی - یادگیری و پرورش حرفه معلمان به بحث بپردازند.

- سرگروه‌های آموزشی مدرسه به نوبت در کلاس‌های درس سایر معلمان شرکت می‌کنند و ضمن مشاهده دقیق فعالیت‌های آموزشی معلم و ارتباط او با دانش‌آموزان، پس از اتمام کلاس در جلسه‌ای همراه با معلم مربوطه به ارزیابی فعالیت‌های انجام شده در کلاس می‌پردازند.

- معلمان هر مدرسه برای خود برنامه‌های غیررسمی دارند؛ از جمله: دیدار از شرکت‌های بزرگ تولیدی، خدماتی و بازرگانی، دیدار از موزه‌ها، فعالیت‌های گروهی - هنری، گردش علمی - فرهنگی، ایجاد گروه‌های ورزشی گوناگون با دانش‌آموزان و والدین آن‌ها و... معلمان در محیط غیررسمی با ایجاد ارتباط شفاف‌تر تلاش می‌کنند از تجربه‌های یکدیگر بهره بگیرند و روابط خود را با والدین و دانش‌آموزان مستحکم‌تر کنند.



یک معلم در حال ارائه کار خود در یک سمینار آموزشی



شرکت معلمان در برنامه‌های غیررسمی مانند فعالیت هنری



بازدید معلمان از یک کلاس درس و فعالیت‌های آموزشی یک معلم

آموزش ضمن خدمت

در ژاپن از معلمان به عنوان «کارشناسان یادگیری اثربخش» یاد می‌شود. برای تحقق چنین پنداره متعالی، لازم است فرصت‌ها برای توسعه مداوم حرفه‌ای معلمان فراهم گردد و منابع لازم بسیج شود. با عنایت به این دیدگاه، به سرمایه‌گذاری در توسعه مداوم حرفه معلمی توجه خاص شده است. از این‌رو معلمان جدیدالاستخدام باید از همان سال اول استخدام آموزش‌های متعدد ضمن خدمت بگذرانند. مسئولیت برنامه‌ریزی و اجرای آموزش ضمن خدمت معلمان و پرورش حرفه‌ای آنان بر عهده وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم و فرهنگ، مراکز آموزش ضمن خدمت، دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی

شایستگی هر نظام آموزشی، به اندازه شایستگی معلمان آن نظام است

ماهنامه آن‌هاست. اضافه بر این‌ها، معلمانی که خدمت شایسته‌ای انجام دهند، اضافه حقوق و ترفیع مناسب دریافت می‌کنند.

متوسط سن معلمان ژاپن در دوره ابتدایی ۴۰ سال و در دوره اول متوسطه (پایه‌های ۷ تا ۹) ۳۹ سال و برای دوره دوم متوسطه (پایه‌های ۱۰ تا ۱۲)، ۴۲ سال است. مدیران و معاونان نیز از بین معلمان انتخاب شده و معمولاً ۱۵ تا ۲۰ سال سابقه تدریس دارند. ارزشیابی معلمان شاغل نیز از طریق خودارزیابی‌ها و جهت ارتقای سطح کیفی آموزش صورت می‌پذیرد.

اتاق معلمان در مدارس ژاپن به نحوی طراحی شده است که تسهیلات لازم برای تشریک مساعی آنان را فراهم می‌سازد. نوعاً همه معلمان در اتاقی بزرگ در کنار یکدیگر با افراد هم‌گروه خود در یک موضوع درسی خاص دور یک میز مخصوص می‌نشینند. در بیشتر مدارس فعالیت‌های روزانه با جلسه‌ای در خصوص یک موضوع اصلی که قبلاً اعلام شده است، آغاز می‌شود. معلمان معمولاً فرصتی کوتاه دارند تا با افراد هم‌گروه خود در مورد موضوعی خاص به بحث و تبادل نظر بپردازند. جلسات طولانی‌تر معمولاً در طی هفته برنامه‌ریزی می‌شود، به نحوی که معلمان با افراد هم‌گروه خود راجع به طرح مطالعه برای هفته بعد و نیز مسائل و مشکلات مربوط به کلاس خود بحث می‌کنند. یک روز کاری معلم به گونه‌ای برنامه‌ریزی شده است که به او امکان کار با دیگر همکاران در جهت پیشرفت و ارتقای کیفیت تدریس خود را بدهد.

گروه‌های آموزشی

معلمان هم‌چنین با گروهی از همکارانی که موضوع مشابه آنان را تدریس می‌کنند، دست به تشریک مساعی می‌زنند و برنامه‌ها و جلسات را طراحی می‌کنند که در آن هماهنگی فعالیت‌های جاری صورت می‌گیرد. به عنوان مثال، در این جلسات، معلمان مدل نمایش کلاسی را برنامه‌ریزی می‌کنند که توسط سایر معلمان و یا ناظران از خارج مدرسه مورد مشاهده قرار گیرد. پرورش حرفه‌ای معلمان که بر مشاهده مشترک و شرکت همگان در مباحث کلاس درس تبلور می‌یابد، به آن‌ها این امکان را می‌دهد که روش‌های یکدیگر را در ارائه یک برنامه درسی در کلاس با هم مقایسه کنند و از این مقایسه و شرکت در تبادل نظر، روش‌های مختلف برای ارائه برنامه درسی واحد را بیاموزند و توانایی‌های حرفه‌ای خود را بالا ببرند.

ساعات کاری

در ژاپن ساعات کار معلم ۴۴ ساعت در هفته است که علاوه بر تدریس، همکاری با مدیر در اداره مدرسه، شرکت در جلسات گروهی معلمان، راهنمایی دانش‌آموزان، شرکت در جلسات مشترک با والدین، تهیه طرح درس و بررسی تکالیف دانش‌آموزان را شامل می‌شود. حضور رسمی روزانه معلم در مدرسه از ساعت ۸ صبح تا ۴ و ۳۰ دقیقه بعدازظهر است. ولی معمولاً بیشتر آنان بیش از ساعات رسمی یاد شده در مدرسه می‌مانند.

حقوق معلمان در ژاپن با توجه به محل تدریس، نوع مدرسه، میزان ساعات گذرانده شده، سابقه خدمت، میزان دوره‌های آموزشی گذرانده شده و سمت آن‌ها در مدرسه تعیین می‌شود. آن‌ها علاوه بر حقوق ماهیانه، از کمک‌های غیرنقدی، عائله‌مندی، هزینه مسکن، هزینه رفت و آمد نیز بهره‌مندند. مهم‌ترین مزایای شغلی معلمان، پاداش‌هایی است که به صورت بن هر سه ماه یک بار به آنان داده می‌شود و میانگین آن در سال معادل پنج برابر حقوق

هر معلم باید پس از پنج، ده و بیست سال خدمت آموزشی، دوره‌های آموزشی ویژه‌ای را گذرانده و در دوره‌های بازآموزی شرکت کند

منابع

۱. آقازاده، احمد (۱۳۸۵): «آموزش و پرورش تطبیقی»، انتشارات پیام‌نور.
۲. بختیاری، ابوالفضل (۱۳۸۶): درس‌هایی از ژاپن، خبرنامه انجمن دوستی ایران و ژاپن، سال هفتم، شماره ۱۶.
۳. بختیاری، ابوالفضل (۱۳۸۸): فرهنگ آموزش در ژاپن، نشریه پیوند وزارت آموزش و پرورش، شماره ۲۶۳.
۴. کوی، لوتسان (۱۳۸۶): «آموزش و پرورش تطبیقی»، ترجمه محمد یمنی، انتشارات سمت.
۵. ملایی‌نژاد، اعظم (۱۳۸۵): «بررسی تطبیقی نظام برنامه درسی تربیت معلم در کشورهای انگلستان، ژاپن، فرانسه، مالزی و ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
۶. مهرافروز، محمد (۱۳۸۸): «مقایسه آموزش و پرورش دنیا با ایران»، <http://tafsire2.mihanblog.com>



پرورش حرفه‌ای معلمان از طریق شرکت در کلاس‌های آموزشی کوتاه مدت ضمن خدمت و بازدید از مراکز علمی

مجردها بخوانند
متاهل‌ها حتماً حتماً بخوانند!



اول همسر راه

○ تصور عشق کافی نیست!

در زندگی مشترک اصولی وجود دارد که پایه‌های آن را محکم‌تر کرده و زوجین را به سمت در کنار هم بودن شاد و آرام سوق می‌دهد. به شما قول می‌دهم اگر این نکات را در زندگی خود مورد توجه قرار دهید، بار دیگر عاشق همسران می‌شوید و عشقتان هرگز کمرنگ نمی‌شود. زیرا با زنده نگه داشتن عشق زندگیتان نجات می‌یابد و جان تازه می‌گیرد. باید بدانید اگر تنها در ذهنتان تصور کنید که عاشق همسران هستید کافی نیست بلکه باید با اشتیاق فراوان از آن مواظبت و مراقبت هم به عمل آورید. اگر به راستی عاشق یکدیگر باشید، به طور ناخودآگاه نیازهای عاطفی همدیگر را برآورده می‌کنید. امروز می‌خواهیم با اصولی که به زنده شدن و زنده ماندن عشق و محبت در زندگی مشترک منجر می‌شود، آشنا شویم.

این جملات مقدمه سخنان خانم روان‌شناس در جلسه

آموزش خانواده‌مدرسه خانم گلستان بود. با توجه به برگزاری جلسه در خارج از ساعت آموزشی، تعدادی از کارکنان علاقه‌مند مدرسه نیز به همراه مادران دانش‌آموزان به سخنان خانم روان‌شناس گوش سپرده بودند. در این میان خانم فروغ با توجه و دقت خاص در پی یافتن پاسخ سؤالات و راه‌حل بود برای رفع مشکلات زندگی خود، وضعیت دانش‌آموز خوب کلاسش مریم که به خاطر مشکلات خانوادگی افسرده خاطر شده بود و مریم‌های دیگری که در مدرسه بودند. خانم گلستان نیز خرسند از حضور همکارانش در کنار مادران جهت کسب آگاهی و بالندگی به ادامه سخنان دوست قدیمی‌اش گوش می‌داد.

○ مهارت‌های حل تعارض

سخنران حاضر در جلسه جهت ارتباط موفق و حل مشکلات و تعارضات در زندگی به نقش زن و مرد اشاره کرد. وی به برخی از مهارت‌های ارتباطی همسران در حل

و فصل اختلافات تأکید و اضافه کرد که این مهارت‌ها نه تنها در حل اختلافات زناشویی بلکه در رفع تعارضات بین فردی مثل دو دوست، دو همکار، دو خویشاوند و... نیز می‌تواند مؤثر و مفید واقع شود. وی بخشی از مهارت‌ها را این گونه فهرست کرد:

✓ عذرخواهی؛ عذرخواهی از دیگران ممکن است مشکل به نظر برسد - به خصوص زمانی که با هم چندین بار بر سر موضوعی مخالفت کرده باشید - لیکن امکان دارد در خود توان گفتن «ببخشید، متأسفم» را نبینید و شاید هم کاری را که فکر می‌کردید به او می‌فهماند از کرده خود پشیمانی انجام داده‌اید. اما به صورت آشکار باید عذرخواهی کنید پس راحت بگویید ببخشید، متأسفم.

✓ پذیرفتن انتقاد با گشاده‌رویی؛ گوش کردن به حرف‌های همسران یک موضوع مهم برای پایان دادن به جر و بحث‌ها به شمار می‌رود. در چنین وضعیتی که هر دو تصور می‌کنید حق با شماست، مشکل به هر دو نفرتان مربوط می‌شود. وقتی همسران از شما انتقاد می‌کند، شمشیرتان را از رو نیندید بلکه این‌طور نشان دهید که حرف او را می‌فهمید؛ همان گونه که انتظار دارید هنگامی که شما صحبت می‌کنید او نیز متوجه منظورتان شود...

✓ برای لحظه‌ای آتش‌بس اعلام کنید؛ در اوج یک مجادله فشارخونتان بالا می‌رود، تپش قلب شما بیشتر می‌شود و ممکن است چیزهایی بر زبان بیاورید که لزوماً از بیان آن‌ها منظوری ندارید. همیشه به مکانی خلوت نیاز دارید که از هم جدا شوید تا بتوانید آرام گرفته و افکار خود را متمرکز کنید. البته بهتر است هنگامی که خیلی عصبانی هستید به حالت قهر همدیگر را ترک نکنید. چرا که این کار باعث می‌شود تا طرف مقابل احساس طردشدگی نماید و حتی به شدت عصبانی شود. دیگر این که از خانه خارج نشوید و همسران را با غم‌هایش تنها نگذارید. بلکه انرژی خود را معطوف فعالیت‌های سودمندتر کنید مثلاً سعی نمایید به آشپزخانه بروید ظرف‌های نشسته را بشوید، دو لیوان چای بریزید و... با این کار، هم خودتان کمی آرام می‌شوید و هم در عین حال به همسران قدری فرصت می‌دهید تا با خودش تنها باشد، این استراحت کوتاه باعث می‌شود تا هر دو با دیدی بازتر به موضوع نگاه کنید.

یکی از نشانه‌های ارتباطات خوب، دانستن این نکته است که چه موقع باید موقتاً از یکدیگر فاصله بگیرید.

✓ گذشته را یادآوری نکنید؛ اگر می‌خواهید مشکلی حل شود باید بدانید که با پیش کشیدن گذشته‌ها به هیچ کجا نخواهید رسید. مهم نیست که همسران بار آخر چه حرفی زده و یا شما چه گفته‌اید. با هم عهد کنید که گذشته‌ها دیگر گذشته و یادآوری گذشته‌های تلخ چندان آور و تنفرزا است. تنها به چیزی که اکنون در حال روی دادن است توجه کنید.

✓ مهربانی کنید؛ اگر به آرامی در مورد موضوعی بحث می‌کنید و همسران ناگهان صدایش را بالا برده و از کوره در می‌رود، کافی است به طرفش رفته و او را نوازش کنید.

بگذارید بفهمد که این فقط یک مجادله کوتاه است و شما برای شنیدن صحبت‌های وی در کنارش هستید. به علاوه نوازش نشان‌دهنده این است که شما به او اهمیت می‌دهید و دشمن او نیستید.

در این لحظه یکی از حاضران با بیانی همراه با شوخی گفت که مردان در این مواقع خودشان را لوس می‌کنند و خانمی از انتهای سالن در پاسخ گفت همان‌طور که ما خانم‌ها ناز می‌کنیم. این گفت‌وگوی کوتاه دو طرفه خنده حاضران و اظهارنظرهای همه‌گونه آن‌ها را به همراه داشت. خنده بر لبان خانم روان‌شناس نشست و در پی این اظهار نظر افزود: البته ممکن است وقتی می‌خواهید همسران را نوازش کنید یا دستش را بگیرید، دست شما را کنار زده و بگوید «پولم کن» اما یادتان باشد که این فقط یک ناز کردن است و در این صورت شما به او بگویید «خودت را عصبانی نکن حالا که چیزی نشده، می‌دانم ناراحتی اما ما همه چیز را با هم درست می‌کنیم».

در این بخش از جلسه خانم روان‌شناس زمان استراحت کوتاهی را اعلام کرد تا حاضران هم‌چنان که پیش‌بینی شده بود، پذیرایی شوند. در این موقع یکی از معلمان از فرصت استفاده کرد و نزد خانم روان‌شناس رفت و برگه‌ای را نشان وی داد...

○ ای کاش

پس از پایان زمان استراحت همان خانم معلم که ورقه‌ای را به سخنران جلسه نشان داده بود، در مقابل بقیه قرار گرفت و چنین گفت: دوستان چند روز پیش جهت تمرین در درس انشا به بچه‌ها گفتم که عبارت «ای کاش» را در چند خط ادامه دهید. در پایان وقت مقرر هم برگه‌ها را جمع‌آوری کردم. اکنون یکی از آن‌ها را که به موضوع این جلسه مربوط می‌شود همراهم آورده‌ام تا با اجازه خانم روان‌شناس و سایر دوستان این قطعه را برایتان بخوانم:

ای کاش مادر و پدرها با هم مثل موبایلشون رفتار می‌کردند

در روز با هم از همه بیشتر صحبت می‌کردند

پای صحبت‌های هم می‌نشستند

پیغام‌های هم را دریافت می‌کردند

در نبود هم احساس کمبود می‌کردند

مطالب خصوصی را به حافظه‌شان می‌سپردند

همیشه و همه جا همراه هم بودند، حتی در اوج تنهایی

و اگر همیشه همراه اول هم بودند با داشتن هم تنها

نبودند

و ما هم تنها نمی‌ماندیم.

حاضران حظاً خود از شنیدن مطلب را با دست زدن‌های پی در پی ابراز کردند و برخی از مادران نیز در حین دست زدن اشک از صورتشان جاری شده بود.

خانم فروغ نیز همانند سایرین تحت تأثیر این قطعه قرار گرفته بود و در ذهنش آن‌چه را بر زندگی و روابط زناشویی‌اش گذشته بود، مرور می‌کرد و اشتباهاتش را به خاطر می‌آورد. لحظه‌ای ترس و غم وجودش را فراگرفت؛

یکی از نشانه‌های
ارتباطات خوب، دانستن
این نکته است چه موقع
باید موقتاً از یکدیگر
فاصله بگیرید

ترس از فاصله‌ای که ایجاد شده بود، و غم و اندوه از لحظاتی که از دست رفته بود... اما وقتی خود را در جایگاه یادگیری دید، مجدداً امید در دلش بارقه زد و این بار با دقت بیشتر صحبت‌های روان‌شناس را در ذهن و دل خود جای داد. سخنران به دیگر راهکارهای مفید در حل و فصل اختلافات اشاره می‌کرد:

✓ جمله‌ای دلپذیر به همسران بگویید؛ یک مجادله می‌تواند بسیار خسته‌کننده باشد و اثرات سوئی را به طور موقت در روان انسان به جای گذارد؛ چنان‌که اگر ترمیم نشود اثر آن دائمی خواهد بود. بعد از مجادله یا جر و بحث طولانی، وقت کوتاهی را اختصاص دهید به این‌که به یکدیگر یادآوری کنید که آن فقط یک اختلاف نظر معمولی بوده و اگرچه ممکن است با بعضی از عقاید و نظرات همسران موافق نباشید اما در عوض او محاسن و امتیازاتی دارد که برای شما جذاب و جالب است. در این صورت همسر شما هم به احتمال زیاد سعی می‌کند تا حرف‌های ناراحت‌کننده نزند. گاهی اوقات فراموش کردن حرف‌های آزاردهنده کسی که دوستش دارید، مشکل به نظر می‌رسد. اما اگر چیزی قابل تعریف را به آن بیامیزید، روبه‌رو شدن با مسئله را آسان می‌کند.

✓ توقع نا به جا نداشته باشید؛ از همسر خود انتظار نداشته باشید که با تمامی طرح‌ها، ایده‌ها و افکار شما موافق باشد و آن‌ها را تحسین کند. واقع‌بین باشید و به او اجازه دهید که نظرش را هر چند که برخلاف میل شما باشد بیان کند.

✓ به طور مداوم از همسران انتقاد نکنید؛ زیرا انتقادهای پیاپی باعث می‌شود که وی از شما به تدریج دل‌سرد شود و فاصله گیرد. هرگز این جمله را به کار نبرید که «تو دقیقاً مثل پدر هستی» یا «تو با مادرت هیچ فرقی نداری». این عبارت ناخوشایند و تحقیرآمیز است. زیرا همسران را نگران می‌کند که شاید بدترین خصلت فامیلی‌اش را بروز داده است و این عبارات را نوعی تحقیر تلقی کند. باید موضع خود را از تحقیر کردن تغییر دهید و به طور مستقیم درخواست عاقلانه و منطقی‌تان را بیان کنید.

در این هنگام یکی از حاضران پرسید: ممکن است یک مثال بزنید؟ خانم روان‌شناس با گفتن «بله» این مثال را مطرح کرد: مثلاً بگویید وقتی چایت را خوردی لطفاً فنجان‌ت را روی سینک ظرفشویی بگذار. با این روش شما به خواسته خودتان بدون رنجاندن همسران رسیده‌اید.

✓ اصرار زیادی برای جلب محبت همسران نداشته باشید و این نکته را زمانی که وی عصبانی است بیشتر مراعات کنید؛ برخی اوقات، حالت روحی او برای ابراز محبت به شما مناسب نیست و اصرار زیاد شما منجر به مخالفت شدید او می‌شود. زمانی که همسران از فشار عصبی رنج می‌برند، سعی نکنید از لحاظ احساسی به او نزدیک شوید؛ زیرا اگر برای صمیمیت و نزدیک شدن به وی اصرار ورزید، فقط او را عصبانی‌تر کرده و از خود دور می‌سازید؛ البته تا زمانی که استرس او کاسته شود و به

حالت عادی برگردد.

✓ از واژه «من» استفاده کنید؛ به جای آن که بگویید «تو در این‌جا اشتباه کردی» بهتر است جمله خود را با «من» شروع کنید و بگذارید احساس شما را بهتر درک کند؛ مثلاً «من وقتی این اتفاق افتاد ناراحت شدم» با این بیان، جملات کمتر سرزنش‌آمیزند و کمتر طرف مقابل را به موضع دفاعی وامی‌دارند و به او کمک می‌کنند تا به جای آن‌که حس کند مورد حمله قرار گرفته، نقطه نظر شما را بهتر درک نماید. البته این جمله نباید با لحنی تحکمی بیان شود زیرا احساس می‌کند شما فقط برای خودتان و احساساتان اهمیت قائلید و می‌خواهید وضعیت روحی خود را به رخ او بکشید. پس بهتر است جملات خود را به نحوی ادا کنید که حس همدلی را در وی به وجود بیاورد. مثلاً بگویید «من از این موضوع ناراحت شدم اما حتماً تو هم دلیلی برای کارت داری؛ پس چه بهتر که نیت خوب خود را بروز دهی.» و یا این‌که «من از این موضوع یا اتفاق ناراحت شدم. حتماً اگر این اتفاق برای تو هم رخ می‌داد خودت هم به همین اندازه ناراحت می‌شدی.» با بیان این جملات طرف مقابل رابه تفکر و همدلی سوق می‌دهید و باعث می‌شوید او خود را جای شما قرار داده و احساساتان را بهتر درک کند.

○ شمشیر دو لبه

خانم گلستان که در جمع اولیا و کارکنان مدرسه مستمع سخنان دوست قدیمی خود بود، با شنیدن این جملات به یاد این عبارت افتاد که «زبان سلاحی افسون‌گر است که می‌تواند بگریاند، بخنداند، به شوق بیاورد، عاشق کند، متنفر سازد و هزاران پیام متفاوت را انتقال دهد.» او همیشه به نقش ارزشمند نحوه گویش و صحبت کردن با دیگران توجه داشته و سعی در تقویت مهارت‌های کلامی خود کرده است. ناگهان موضوعی جدید در ذهنش جرقه زد «آشنا کردن دانش‌آموزان و کارکنان با مهارت‌های کلامی و تقویت آن». هنوز موضوع را در ذهن خود پالایش نکرده بود که متوجه شد خانم روان‌شناس با توجه به اتمام وقت به جمع‌بندی پرداخته، دقایقی را نیز به پاسخ‌گویی سؤالات حاضران اختصاص داده و ادامه مطلب را به جلسه بعدی موکول نموده است. دوست خانم گلستان یک سنت همیشگی در پایان جلسات خود داشت و آن این‌که پیامی کوتاه را جهت مرور ذهنی و تقویت نقش‌گذاری مطالب گفته شده بر روی تخته می‌نوشت و از مخاطبان می‌خواست که این جمله را تکرار کنند. پیام وی این بود: «حساب بانکی عشق خود را پر نگاه دارید.»

خانم فروغ مصمم بود تا ذخایر بانک عشق زندگی‌اش را تقویت کند. نگاهش را به منظور یافتن مادر مریم به اطراف معطوف نمود و امیدوار بود که مادر مریم نیز هم‌چون خود او در پی رقم زدن تغییرات مثبت در زندگی‌اش باشد. از سوی دیگر، خانم گلستان نیز راضی از برگزاری جلسه، تصمیم گرفت بانک عشق زندگی شغلی خود را همیشه پر نگاه دارد.

باید بدانید اگر تنها در ذهنتان تصور کنید عاشق همسران هستید کافی نیست بلکه باید با اشتیاق فراوان از آن مواظبت و مراقبت کنید

اگر به راستی عاشق یکدیگر باشید به طور ناخودآگاه نیازهای عاطفی همدیگر را برآورده می‌کنید

ای کاش مادر و پدرها با هم مثل موبایلشون رفتار می‌کردند



به کوشش

محمد شاکر، مهدی رضاییان



خلاقیت



بزرگ زمانی به وجود آمده‌اند که مردم چیزها را وارونه دیده‌اند، یا جنبه‌های مخالف را در نظر گرفته‌اند.

۲. تفکر سیال داشته باشید. - شوخ طبع باشید. - چیزی بگویید که شبیه چیزی نباشد. سگی که ...

بعد از که با س ادامه دهید.

مثل: سگی که سرما خورده است.

سگی که سرود می‌خواند.

۳. فرض کنید که می‌توانستید روی هوا راه بروید؛

تخیل کرده و هر چه به ذهنتان می‌رسد بنویسید. تفکر

فانتزی که از طریق این تمرین حاصل می‌شود ممکن

است به زودی تبدیل به زندگی واقعی گردد.

تخیل: توانایی به ذهن آوردن تصاویر، پدیده‌ها و ایده‌های واقعی و غیرواقعی

انعطاف‌پذیری: گوناگونی ایده‌ها

لذت‌جویی: هر عمل کاملی همراه با لذت است.

شوخ طبعی: شوخی و شوخ طبعی اساساً خلاقانه

بوده و خود تسهیل‌کننده خلاقیت بیشتر است.

ابتکار: توانایی خلق ایده‌های نو و غیرعادی، هر چه

عجیب‌تر، بهتر

سیال بودن ذهن: توانایی تولید ایده‌های فراوان،

هر چه بیشتر، بهتر

تمرین‌هایی برای ارزیابی عناصر خلاقیت

۱. ترکیباتی بنویسید که با وارونش یکی باشد

مانند خرس سرخ یا کلاس سالک (بسیاری از ایده‌های

آزمون خلاقیت



خلاقیت پر کردن جاهای خالی است

۱. خانه جای خوبی است اگر افراد خانواده باشند.
۲. مدرسه جای خوبی است اگر
۳. اغلب معلم‌ها
۴. دنیا می‌توانست جای بهتری باشد اگر
۵. شیر باغ وحش
۶. می‌خواهم یک صندلی جادویی بسازم که
۷. مثل اشک می‌ریخت.
۸. خوشحال مثل



افراد بسیار خلاق با مدرسه مشکل دارند.

از قیل و قال مدرسه حالی دلم گرفت

یک چند نیز صحبت معشوق و می کنیم

افراد بسیار خلاق جمع اعداد هستند.

عاشقم بر صلح و بر قهرش به جد

ای عجب من عاشق این هر دو ضد

عادت‌ها مانع خلاقیت‌اند؛ افراد خلاق عادت

گریزند.

از خلاف آمد عادت بطلب کام که من

کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم

احساس منحصر به فرد بودن سنگ زیر بنای تفکر

خلاق است.

من این حروف نوشتم چنان که غیر ندانست

تو هم ز روی کرامت چنان بخوان که تو دانی

افراد خلاق از تکرار و تقلید بیزارند. افراد خلاق

نوگرا هستند.

عاریت کس نپذیرفته‌ام

آن چه دلم گفت بگو گفته‌ام

شعیده تازه برانگیختم

هیکی از قالب نور یختم

خلق یک موقعیت در روابط انسانی عالی‌ترین نوع

خلاقیت است.

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است

با دوستان مروت با دشمنان مدارا

تولید خلاقانه ناشی از بالاترین سطح بصیرت است

و این زمانی اتفاق می‌افتد که انسان دو پدیده کاملاً

متضاد را در وجود خود حس می‌کند.

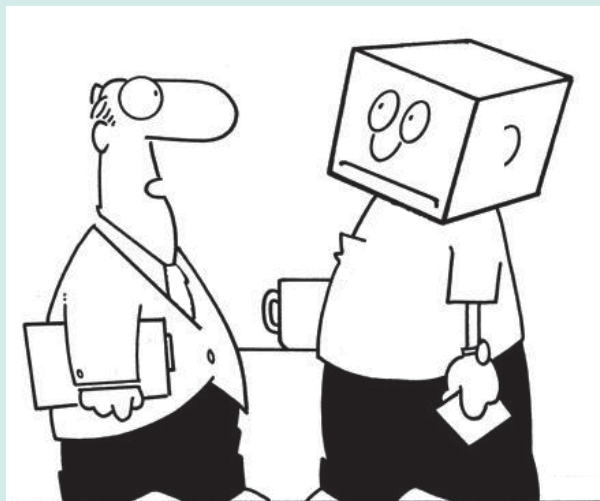
حافظ از جور تو حاشا که بگرداند روی

من از آن دم که اسیر تو شدم آزادم

واحدیات فارسی خلاقیت



مفهوم خلاقیت



خلاقیت: کارهای متفاوت انجام دادن - کارها را متفاوت انجام دادن

خلاقیت = دانش + تجربه + بینش کودکانه

خلاقیت: نگاهی نو به واقعیت

خلاقیت: برترین سطح یادگیری بشر

خلاقیت نوعی یادگیری است که در آن استاد و شاگرد یکی است.

رفتار فرد خلاقانه است اگر نو و مناسب باشد.

یک بزرگسال خلاق یک کودک ابدی است.

خلاقیت نه تنها یک ضرورت بلکه شرط بقاست.

خلاقیت یکی از فعالیت‌های نیمکره راست مغز است.

خلاقیت نوعی بازی است که به آدم چیزی می‌آموزد. (میان خلاقیت و بازی گرایی رابطه مستقیمی است.)

خلاقیت پر کردن جاهای خالی است.

عناصر خلاقیت: آزادی، ماجراجویی، کنجکاوی و ذوق عشق

خلاقیت احساسات نیروبخشی چون حس لذت، ماجراجویی و تفریح را در زندگی ایجاد می‌کند.

خلق یک موقعیت در روابط انسانی عالی‌ترین نوع خلاقیت است.

افراد بسیار خلاق جمع اضعافند. (انسان زمانی به بالاترین حد بصیرت می‌رسد که دو پدیده کاملاً متضاد را در وجود خود حس کند.)

بسیاری از روان‌شناسان تأکید دارند، خلاقیت و سلامت روح و روان همراه و هم‌گامند.

خلاقیت یعنی برقراری ارتباطات معنی‌دار با استفاده از مفاهیم و مواد به روش‌های تازه.

خلاقیت هر چه بیشتر فعال نمودن تداعی‌ها و ارتباطات ذهنی است.

احساس منحصر به فرد بودن سنگ زیربنای تفکر خلاق است.

خلاقیت ارکان

به کوشش محمد شاکر، مهدی رضاییان

سیال بودن ذهن

توانایی تولید ایده‌های فراوان (هرچه بیشتر بهتر)



تخیل

توانایی به ذهن آوردن تصاویر،
پدیده‌ها و ایده‌های واقعی و
غیرواقعی



دگرپذیری

افراد خلاق خودرأی و خودخواه نیستند و برای ایده‌های دیگران
احترام قائلند.



شوخی و شوخ طبعی
 شوخی و شوخ طبعی اساساً خلاقانه بوده و
 خود تسهیل کننده خلاقیت بیشتر است.



انتطاف پذیری
 توانایی خلق ایده‌هایی
 بدون قالب‌های یکسان
 (گوناگونی ایده‌ها)

ابتکار
 توانایی تولید ایده‌های نو و غیرعادی (هر چه عجیب‌تر، بهتر)



نمی دانم راحت جان است

تا بدان جا رسید دانش من
که بدانم همی که نادانم

عادت به «می دانم» گویی، نمایانگر فکری بسته و نشانه میل به خودبرملاسازی یا خودآشکاری است. جوابهای سریع و دست به نقد، نشانه فکری کلیشه‌ای است. در حالی که جواب «نمی دانم» باید درباره‌اش فکر کنم، علامت آمادگی جهت تخیل گرایی و عمل خلاق گونه است. ما قادر هستیم با فراگیری این که چه طور با خود بگوییم «من باید درباره آن فکر کنم» و یا آشکارا به دیگران پاسخ دهیم «من نمی دانم»، مقدار قابل ملاحظه‌ای به هنر زندگی کردن خود بیفزاییم. پاداش حاصل از بیان این کلمات که با تمرین عاید ما می شود، این است: افزودن به اعتبار شخصی خویش.

گاهی ما از طریق تکیه کلامها و واژه‌هایی که در صحبت کردن یا نوشته‌هایمان زیاد استفاده می کنیم، شناخته می شویم. استفاده از صفات عالی چه در مورد خود و چه در مورد دیگران خیلی خوب نیست (بهترین، بدترین و...).

به کار بردن زیاد کلمات تنوین دار (مطمئناً، مسلماً، واقعاً، حتماً، ابداً، قطعاً و...) نشانه خوبی نیست. قیدها، قید و بند درست می کنند و آزادی تفکر را می گیرند.

کلماتی که نسبیت را نفی کرده و مطلق گرایی را القا می کنند یا چهارچوب‌هایی را می سازند، ممکن است ناشی از شخصیت گوینده یا نویسنده آن‌ها باشد. (فقط، باید، به هیچ وجه، هرگز و...) به کار بردن زیاد ضمایر ملکی و کلمه «من» درست نیست.



تدریس خلاق

تدریس خلاق فرایندی است به شدت شخصی، منحصر به فرد، غیر تکراری و غیر تقلیدی.

اگر معلم علاقه مندی داشته باشیم و او انگیزه بالایی برای ارائه روشی نو، مناسب و اختصاصی برای یاد دادن داشته باشد، آن گاه زمینه های بروز یک تدریس خلاق مهیا خواهد بود. تدریس خلاق سرشار از شور و نشاط، بازی و سرگرمی و شگفتی و هیجان است.

روش های شخصی یادگیری و یاددهی را پیدا کرده و آن را به یک بازی تبدیل کنید.

پیش شرط تدریس خلاق: خودمان از فرایند آموزش لذت ببریم و توانایی انتقال این احساس را به مخاطب داشته باشیم.

چگونه می توان از آموختن به دیگری و آموختن از دیگری لذت برد؟

به علت کمیت و کیفیت بالای مطالب آموختنی در دوران ما، طراحی و اجرای روش های خلاقانه دریافت و جذب آموزه ها بسیار ضروری می نماید.

خلاقیت برترین سطح یادگیری بشر

اگر ما پیامی برای انتقال به دیگران داریم و از میزان آمادگی برای پذیرش پیام ها در مخاطب آگاهیم، بهتر است تعادلی برقرار کنیم بین مضمون پیام ها و نحوه رساندن آن ها به مخاطب.

خوب حرف بزنیم. حرف خوب بزنیم.



ویژگی افراد علاقه مند

خلاق‌ها

- علاقه‌مند به بازی‌های کودکانه‌اند
- پرهیجانه‌اند
- خودانگیزه‌اند
- خطرپذیرند
- از خلاقیت خود آگاه هستند
- شوخ‌طبع هستند
- دقیق هستند
- متفکرند
- دارای انرژی فراوان هستند
- کنج‌کاو و چیزهای عجیب و غریب را

دوست دارند

- دارای علائق هنری‌اند
- دارای استقلال فکری‌اند
- اعتماد به نفس دارند
- بیشتر از آن‌چه از آن‌ها خواسته‌ایم انجام

می‌دهند

- دارای علائق زیبایی شناسی‌اند
- متمایل به تنها بودن هستند
- به نوآوری، پیچیدگی و آن‌چه اسرارآمیز
- است جلب می‌شوند



نخستین همایش کشوری دبیرخانه در فارسی

دوره نهم
درس فارسی

نخستین همایش کشوری بهبود و ارتقای کیفیت
فرایند آموزش درس فارسی دوره راهنمایی

○ زمان: اول و دوم آبان ۱۳۹۰، یکشنبه و دوشنبه.
○ مکان: بوشهر (دبیرخانه راهبری کیفیت بخشی)
○ شرکت کنندگان: - سرگروه های درس فارسی
راهنمایی سراسر کشور

- لشکر بلوکی و مشهدی (از دفتر آموزش راهنمایی)
- اکبری شلدره (از دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب
درس)

مهمانان: باقرزاده (معاون وزیر آموزش و پرورش) و
حاجی زاده (مدیر کل آموزش و پرورش استان بوشهر)

پس از خوش آمدگویی حاجی زاده و احمدی مسئول
دبیرخانه راهبری و سرگروه فارسی استان بوشهر،
لشکر بلوکی معاون دفتر آموزش راهنمایی، اهداف تشکیل
این دبیرخانه و انتظارات دفتر از استان ها را بدین گونه
برشمردند:

○ **اهداف:** - پویاسازی بدنه آموزش استان و گروه های
آموزشی در جهت بهبود فرایند یاددهی - یادگیری؛
- ایجاد تعامل بیشتر میان استان ها و مؤلفان کتاب های
درس؛

- کمک به ارتقای کیفی سطح علمی و آموزشی دبیران.
○ **انتظارات:** - حفظ تعامل مؤثر با دفتر و مؤلفان
کتاب های درسی و نیز استان ها با یکدیگر؛

- همکاری و مشارکت بیشتر با دبیرخانه کیفیت بخشی؛
- برگزاری کارگاه های نقد و تحلیل محتوا با محوریت
دبیرخانه.

سیس شرکت کنندگان استان ها، در چهار گروه تعیین
شده، به بررسی، نقد و تحلیل موضوع های زیر پرداختند:

- بررسی و تبیین راهنمای برنامه درسی فارسی؛
- نقد و تحلیل محتوای سه کتاب و بررسی ارتباط طولی آن ها؛
- بررسی، نقد و تشریح شیوه نامه ارزشیابی؛
- بررسی روش های یاددهی - یادگیری درس فارسی.
در بخش دیگر از این همایش دو روزه، اکبری شلدره (مدیر گروه
زبان و ادب فارسی) پس از بیان برنامه های دفتر برنامه ریزی و تألیف
کتب درسی، به تبیین برنامه درسی ملی و ارتباط درس فارسی با آن
پرداخت و چگونگی تحول بنیادین و همسوسازی محتوایی را تشریح
کرد. ایشان در قسمت دیگری از برنامه به برخی از گرگه های آموزشی
و محتوایی کتاب های درسی اشاره کرد و به پرسش های سرگروه های
استان ها پاسخ گفت. یکی از جالب ترین بخش های این گردهمایی
کشوری، تلنگر آموزشی با پشتوانه ای تحقیقی بود که در سخنرانی
روز دوم اکبری شلدره به ذهن ها زده شد. وی در سخنرانی خود که با
عنوان «ماجرای تشدید در زبان و خط فارسی» ارائه کرد، بیان داشت:
«پس از چند سال درنگ و تحقیق و تدوین این موضوع، اکنون به
این نتیجه نزدیک شده ام که در ارزشیابی درس املا، ستمی بر نوباوگان
زبان آموز روا داشته شده، ما نیز همان را تکرار می کنیم. زیرا برای اولین
بار آشکارا می گویم که تشدید یک مسئله در زبان گفتار فارسی است و
در خط و شکل املائی کلمات در نوشتار، بود و نبود آن یکسان است.
بنابراین نباید نمره ای در ارزشیابی املا به آن اختصاص داد، چون تشدید
مانند مصوت های کوتاه، یک نشانه آوایی زبان است.» وی در پایان افزود:
«می دانم که با این سخن، موج هایی در اقیانوس ذهن های دبیران ایجاد
خواهد شد، ولی امیدوارم ره آورد آن گهرهای آموزشی و علمی ارزشمند
باشد.»

در پایان این همایش، احمدی و لشکر بلوکی، ضمن تأکید بر حضور
فعال گروه های آموزشی استان ها، اعلام کردند دبیرخانه کیفیت بخشی،
برای ایجاد نشاط و طراوت علمی در میان همکاران کشور «آزمون
دانش افزایی و ارتقای رشد علمی» دبیران زبان و ادب فارسی راهنمایی را
در سال جاری برگزار خواهد کرد.

فریدون اکبری شلدره
مدیر گروه زبان و ادب فارسی
دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

بوی خوش ادراک

انشا ادراک بوی و خوی
واژگان و مهندسی ذهن
و زبان و کار بست آن
به فراخور توش و توان
است

○ نگاهی فلسفی به انشا

هنگامی که از انشا می‌گوییم و می‌نویسیم، به پهنه‌ای گام نهاده‌ایم که بوی تازگی و زایش و شکفتگی بر سر پرده ذهن و زبان و خیال، عطرانگیز و فراگیر می‌شود. ذهن‌های فربه شده و آبستن از معانی، آماده بارآوری و زاینده می‌شوند. به گمانم ساعت انشا، هم‌چون بهار در میان فصل‌های روزگار، زمان و آن سر از خاک خموشی برآوردن و جان گرفتن و جوهره بستن و غنچه دادن و شکوفان شدن است. آن چه بهار با درختان و دنیای بیرون می‌کند، انشا با جان و دنیای درون ما می‌کند.

در فصل بهار، از میان سنگلاخ و زمین سخت، جویبار گوارا روان می‌شود؛ هنگام انشا نیز تبارزه‌های فکر و خیال سنگواره‌های ذهن را می‌شکافد و جوی زلال واژگان تر و تازه و نوباره‌های آسمان زبان تراویدن می‌گیرد. بهار فصل نغمه بازی‌های روزگار و شگفت‌کاری‌های پروردگار است. زنگ انشا نیز لحظه آفرینش و گزینش و چینش نوآمدگان زبانی است، بازیگاه فکر و خیال و وهم و گمان، و زمان ناز پروردن حواس جسم و جان است.

○ بوبیدن واژگان

یک معنای کلمه «انشا» بوی چیزی را یافتن و بوبیدن است (دهخدا). به گمانم لطیف‌ترین، نازک‌ترین و خیال‌انگیزترین تعریفی که می‌توانم از این مفهوم برای انشا به دست دهم این باشد که «انشا ادراک بوی و خوی واژگان و مهندسی ذهن و زبان و کار بست آن به فراخور توش و توان است.»

اگر زبان‌پژوهان بر این باورند که زبان پدیده‌ای زنده و زایاست، پس بی‌راه نخواهد بود اگر ما نیز بر این باور باشیم که

هر یک از عناصر سازه‌ای و اندامگانی زبان هم‌چون واژگان، بوی و خوی و رنگ و نشانی داشته باشند، واژگان برای خود «آن» و «جان» و نشانی دارند، برخی طرب‌ناک و آتش‌انگیزند و برخی بوی‌ناک و شرخیز.

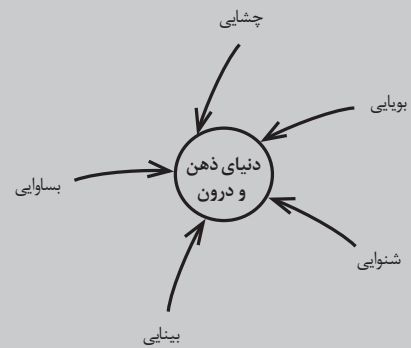
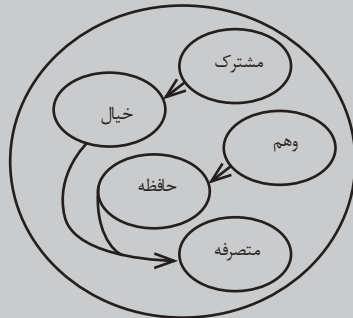
البته، واژه را به حس دریافتن و بوی بردن از جان و جوهر آن، کار هر ناشسته‌رویی نیست؛ رسیدن به این توانایی و ادراک مهندسی الفاظ زبان، سال‌ها تمرین، تکرار، خواندن آثار و نوشتن می‌خواهد. به همین روی، ما بر این باوریم که آن چه در زنگ نوشتن در مدارس باید رخ دهد آموزش، پرورش و تقویت توانایی خوب دیدن، خوب گوش دادن، خوب بوی بردن، خوب حس کردن، درست اندیشیدن، فکر را در چهارچوب و قفس واژگان و عبارات زبان در کشیدن، تبدیل گفتار به نوشتار و سرانجام تولید نوشته به هنجار است. به بیان دیگر، راه رسیدن به مهارت خوب نوشتن، سه شاخه و نه گام دارد. این شاخه‌ها و گام‌ها، نردبان بیست و هفت سطحی را پیش روی فراگیران و آموزش‌دهندگان پدیدار می‌سازد.

پس از پیمودن این نردبان، فربه سازی ذهن و زبان، چشم و گوش و حس و هوش در ایجاد توانایی و مهارت نویسندگی بسیار کارا و اثر گذارند.

○ درهای ادراکی، انشاهای الهی

خداوند حکیم در پیکره آدمیان، درهایی گنجانده است که دنیای درون را تر و تازه و شاداب نگه می‌دارند. این درها یا دریچه‌ها مانند رودهایی هستند که به سوی اقیانوس جان و جوهره آدمی و دنیای درون او سرازیرند. این درها یا رودها به دو دسته بخش می‌شوند: برونی و درونی.

دنیای درون



درس نهم فلسفه

آنچه در زنگ نوشتن در مدارس باید رخ دهد آموزش، پرورش و تقویت توانایی خوب دیدن، خوب گوش دادن، خوب بوی بردن، خوب حس کردن، درست اندیشیدن، فکر را در چهارچوب و قفس واژگان و عبارات زبان در کشیدن، تبدیل گفتار به نوشتار و سرانجام تولید نوشته به هنجار است

پس ساعت انشا، مجالی است برای تلاش در گشودن چشم‌های درون و برون و فراخ‌تر کردن گستره بینایی هر یک. به گمانم، فضای نوشته کمی مه‌آلود و دیرپاب شد. برای ساده‌تر کردن مطالب برمی‌گردیم به مثال تشبیهی قبل؛ گفتیم که دنیای درون و عالم باطن آدمیان، چونان اقیانوس است و پنج رود از بیرون فرآورده‌های خود را به این اقیانوس سرازیر می‌کنند که همان پنج حس برونی هستند. پس از این مرحله، پنج فرایند در باطن خود این اقیانوس روی می‌دهد تا پدیده‌های دریافتی از راه حواس ظاهری، در جان و جوهره این اقیانوس عظیم، گداخته و جاری شوند. پس از این پویه‌ها و فرایند درونی‌سازی است که گوهر و مراوید و صدف و خَرَف پدیدار می‌شوند.

به دیگر سخن، دانش‌آموز و یادگیرنده از راه حواس ظاهری، تصاویر، دانش‌ها، واژگان و دیگر تأثیرات حواس را از پیرامون و از درس و بحث و کلاس می‌گیرد و به دنیای ذهن می‌سپارد. به دنبال آن، پویه‌های ذهنی آغاز می‌شود و آموخته‌ها را از هر یک از صافی‌های باطنی (حس مشترک و خیال و...) می‌گذرانند و پس از این گام‌هاست که دست به تولید و خلق و آفرینش و انشا می‌زند، یادگیری واقعی و تأثیرگذار و مانا در پی این فراز و فرودهای عالم درون اتفاق می‌افتد.

تولید و برون‌داد پویه‌های ذهن و ستد و داد حواس ظاهر و باطن، یا در قالب کلام و گفتار پدیدار می‌شود یا در پیکره نوشتار نمایان می‌گردد و بر بنیاد انواع حواس ظاهر و باطن می‌تواند، گونه‌هایی داشته باشد مثلاً نوشته وهمی/خیالی و... بر پایه آن چه نوشته آمد، انشا، تولید و آفرینشی است که به آموزش گام‌های فراوان و پرورش هر یک از آن‌ها بستگی دارد. بنابراین، شامل لایه‌ها و سطوح بسیاری از ساده تا پیچیده و درهم تنیده می‌شود. در آموزش رسمی باید از گام‌های اولیه و ساده - با توجه و تکیه بر حواس ظاهری - به پرورش مهارت نوشتن پرداخت.

این نوشته را با پرسشی به فرجام می‌برم تا ذهنتان را بر صلیب سؤال، آونگ سازم؛ شاید از خیال و حافظه شما خواننده گرامی، نوبله‌ای برآید و همه ما را به کار آید و آن این که:

* در آموزش انشا، چه قدر به حواس برونی فراگیران توجه و تکیه دارید و چه میزان فرصت برای پویایی و چالاک‌سازی درونی ایجاد می‌کنید؟!

درهای برونی همان حس‌های ظاهری ما هستند. این پنج در برونی، حواس ظاهری و راه‌های ادراک و دریافت ما هستند؛ یعنی رگه‌های آب شور و شیرینی که در این رودها جاری می‌شوند به اقیانوس درون و دنیای ذهن ما سرازیرند و این اقیانوس را فربه و پرمایه می‌سازند.

به بیان دیگر، در قلمرو آموزش و فرایند یاددهی - یادگیری، هر یک از این پنج حس، ابزارها و راه‌هایی هستند که به یادگیرنده یاری می‌رسانند و دانش‌ها و آگاهی‌هایی از پدیده‌های پیرامونی را به جهان ذهن وی سرازیر می‌کنند و او را به شناخت می‌رسانند.

این درهای ادراکی، انشاهای خداوند در آفرینش هستند. در آیه ۷۸ سوره مومنون آمده است: «وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ»

وظیفه اصلی و کار ما در آموزش، تحریک، گشایش و پرورش هر یک از این توانایی‌ها (دیدن، چشیدن، بوییدن و...) است. هر چه این حواس، پرورده‌تر و تیزتر و پویاتر باشند، میزان درک و دریافت و خلق و آفرینش بیشتر است. درهای درونی همان حواس باطنی ما هستند که آفریدگار حکیم در وجود ما نهاده است؛ این پنج حس درون عبارت‌اند از:

۱. مشترک: چیزهایی را ادراک می‌کند که به حواس ظاهری دریافت می‌شود.

۲. خیال: صورت‌هایی را که حس مشترک دریافت کرده، در خود نگاه می‌دارد و مانند گنجینه‌ای برای حس مشترک، صورت‌های ذهنی یا تصور جزئی اشیا محسوب می‌شود.

۳. وهم: ادراک معانی جزئی است که به محسوسات ارتباط دارند ولی به حواس ظاهری دریافت نمی‌شوند. مثل دوستی و نفرت.

۴. حافظه: حسی است که حوادث و مطالب گوناگون را از قوه وهم در خود نگاه می‌دارد. از این‌رو، گنجینه و خزانه وهم و نگه‌دارنده صورت‌های قوه واهمه و معانی جزئی است، هم‌چنان که خیال، خزانه حس مشترک است.

۵. متصرفه: این حس، دو خزانه خیال و حافظه را بررسی می‌کند و از آن دو گنجینه، دست به انتخاب و گزینش می‌زند. در اصل، کار حس متصرفه، ترکیب و تحلیل و بازشناسی صورت‌های موجود در خزانه خیال و معانی موجود در گنجینه حافظه است.

مطرب

یاوران معروف در مدرسه

گفت و گو با چند تن از مجریان طرح «یاوران معروف» در شهر قم

نهی از منکر، بهره‌گیری از توان و ظرفیت دانش‌آموزان در حل مشکلات درسی و اخلاقی هم‌سالان خود، ایجاد مهارت‌های ارتباطی و سازگاری جمعی، مطرح کردن دانش‌آموزان نمونه اخلاقی و درسی مدرسه به طور غیرمستقیم، از دیگر اهداف اجرای این طرح محسوب می‌شود.

خانم توکلی در رابطه با سازوکارهای اجرای طرح می‌گوید: «در این طرح هر دانش‌آموز موظف بود تا حداقل سه نفر را به عنوان یاور معروف خود انتخاب کند. بعد ما اسامی را به دفتر آوردیم و با نظر معلم راهنما، معاون و نیز در نظر گرفتن انتخاب دانش‌آموزان، تعیین کردیم که چه کسی یاور معروف دیگری باشد. ما برای تعداد یاوران معروف، در کلاس محدودیت نداشتیم. بعضی بچه‌ها، روحیه جمعی خوبی نداشتند فقط یک نفر را انتخاب کردند. در ضمن یاور معروف ثابت نبود. یعنی در طول سال بعضی از بچه‌ها می‌خواستند که یاور معروفشان جابه‌جا شود. لذا جابه‌جایی صورت می‌گرفت و محدودیتی از این باب وجود نداشت.»

وی در ادامه می‌افزاید: «ما به صورت هفتگی جلساتی را در اتاق پرورشی با یاوران معروف برگزار می‌کردیم. بچه‌ها هم مسائلی را که در طول هفته با آن سروکار داشتند مطرح می‌کردند و از طرف معلمان پرورشی و یا مدیر به آن‌ها راهکار داده می‌شد، جالب این بود که در این جمع بچه‌ها به یکدیگر راهکار می‌دادند و شاید چون سنشان به هم نزدیک است و مسائل هم‌سالان خود را به خوبی درک می‌کنند، راهکارهای بسیار مفیدی می‌دهند.»

فراگیری انتقاد سازنده

شیوه صحیح انتقاد کردن نکته‌ای است که مسئولان مدرسه توجه خاصی بدان مبذول داشته‌اند. یاور معروف برای این که رفتاری در پیش بگیرد تا در گروه هم‌سالان بازتاب

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّه يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۱ «دوران تحصیل، مقطع شکل‌گیری بنیان‌های شخصیتی دانش‌آموزان است و اگر گرایش‌ها و کنش‌های دانش‌آموز در مسیر تعالی هدایت نشود، با گذر زمان، اصلاح آن بسیار دشوارتر خواهد بود.»^۲ با چنین نگاهی به تازگی طرحی با عنوان «یاوران معروف» در مدرسه توحید شهر قم به اجرا درآمده است. در این طرح، تعدادی از دانش‌آموزان دوستان خود را به سمت معروف‌ها و سنجایی اخلاقی فرامی‌خوانند. مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی درباره چگونگی این طرح و نحوه اجرای آن با مسئولان مدرسه مذکور گفت‌وگویی داشته است. در این نشست، خانم‌ها حسین‌نژاد مدیر مدرسه، فاطمه توکلی معلم پرورشی دوره راهنمایی، نرگس حق‌جو معاون پرورشی دوره ابتدایی و ریحانه فیض معلم عربی دوره راهنمایی با ما به گفت‌وگو نشستند.

خانم حسین‌نژاد، هدف از اجرای طرح یاوران معروف را این گونه تشریح می‌کند: «یاوران معروف، طرحی برای زنده کردن امر به معروف و نهی از منکر است. در این طرح بچه‌ها از بین خودشان کسانی را که می‌توانند با آن‌ها ارتباط بهتری برقرار کنند، به عنوان یاور معروف خود انتخاب می‌کنند. این یاوران، دوستان خود را در رشد درسی و نیز فضایل اخلاقی یاری می‌دهند.

در واقع یاور معروف آنان را مثل یک استاد اخلاق کنترل می‌کند و هرگاه دوستان ناخواسته مرتکب اشتباهی شد، به شکل غیرمستقیم و با روش‌های مناسب مضرات آن رذیله را به وی یادآوری می‌کند.

هدف از اجرای این طرح، ایجاد روحیه جمعی و احیای حس تعاون و همکاری اجتماعی است. هم‌چنین برانگیختن روحیه امر به معروف و



یاوران معروف متواضع هستند، به همه کمک می‌کنند، به بزرگ‌ترهای خود احترام می‌گذارند، هرگاه یکی از بچه‌ها مورد تمسخر کسی واقع شد، با مهربانی و ادب به دفاع از او برمی‌خیزند، به نماز جماعت و خواندن آن در اول وقت توجه دارند، هم‌چون معلم، به دیگران در درس‌ها کمک می‌کنند

هدف از اجرای این طرح، بهره‌گیری از توان و ظرفیت دانش‌آموزان در حل مشکلات درسی و اخلاقی است

فکر می‌کنم این نکته خیلی مهم است چون کسی که نپذیرد ایراد دارد، درصدد رفع آن هم نخواهد بود.»
به نظر می‌رسد که اجرای طرح یاوران معروف هم موجبات خرسندی مسئولان مدرسه را فراهم آورده و هم در میان دانش‌آموزان جوش و خروشی ایجاد کرده است تا در فضایی آکنده از حس مسئولیت در رقابت سالم و سازنده به رشد شخصیتی، اخلاقی و درسی خود اهتمام ورزند. هم‌چنین این جریان تا حدی تسری یافته که درون خانواده‌ها نیز نمود داشته است. به نحوی که به گفته مدیر مدرسه، والدین از تغییر رفتار مثبت فرزندان خود اظهار شگفتی کرده‌اند و خواهان همکاری با اولیای مدرسه شده‌اند تا غایت نهایی طرح یاوران معروف بیشتر و بیشتر در خلق و خوی فرزندان‌شان متجلی شود.



پی‌نوشت

۱. آل عمران، آیه ۱۰۴.
۲. فراهیدیان، رضا، مدرسه مطلوب، انجمن تعلیم و تربیت کانون مدارس اسلامی، قم، ص ۱۳۱.

منفی نداشته باشد و حالت تدافعی ایجاد نکند، آموزش‌هایی می‌بیند، خانم توکلی، در باب این آموزش‌ها می‌گوید: «ما ضروریات اخلاقی برای انجام وظایف یاوران معروف را به آنان آموزش داده‌ایم. مثلاً دانش‌آموزان باید مراحل انتقاد کردن را یاد بگیرند، راه‌ها و مهارت‌ها و کمک‌های غیرمستقیم را بیاموزند، شیوه ایجاد ارتباطی صمیمی و سالم را بدانند. ما حتی در چند جلسه شیوه تمیز نگه داشتن کلاس را به یاوران معروف آموزش دادیم. در کنار این‌ها یک‌سری آموزش‌های اخلاقی برای خود یاوران معروف داشتیم. مثلاً طهارت باطن خیلی مهم است. در این باره یک سری کتاب‌ها و جزوه‌هایی به آن‌ها می‌دادیم. به صورت فردی با آن‌ها صحبت می‌کردیم و در ضمن یاوران معروف نیز باید از موفقیت‌هایشان به ما گزارش می‌دادند و ما هم سعی می‌کردیم در کارنامه توصیفی موفقیت‌های افراد را قید کنیم.»

وی برخی از سجایای اخلاقی را که باید یاوران معروف به آن متخلق باشند، این‌گونه خاطرنشان می‌کند: «یاوران معروف متواضع هستند، به همه کمک می‌کنند، به بزرگ‌ترهای خود احترام می‌گذارند، هرگاه یکی از بچه‌ها مورد تمسخر کسی واقع شد، با مهربانی و ادب به دفاع از او برمی‌خیزند، به نماز جماعت و خواندن آن در اول وقت توجه دارند، هم‌چون معلم، به دیگران در درس‌ها کمک می‌کنند...»

بازتاب

دبیران از بازتاب طرح یاوران معروف در رفتار دانش‌آموزان می‌گویند. خانم حق‌جو در این خصوص تصریح می‌کند: «با ورود بچه‌ها به مدرسه تأثیرپذیری آنان از خانواده کم می‌شود و در مقابل از گروه هم‌سالان افزایش می‌یابد. بچه‌ها سعی می‌کنند هر کاری را انجام دهند تا گروه آن‌ها را بپذیرد، در طرح یاوران معروف، بچه‌ها سعی کردند شاخصه‌هایی را که موجب می‌شود فرد به عنوان یاور معروف انتخاب شود در خود تقویت کنند تا بیشتر مورد مقبولیت گروه واقع شوند.

نیاز دیگر بچه‌ها، «مسئولیت‌پذیری» و «کسب احترام متقابل» است که با اجرای این طرح به این نیاز آنان نیز پاسخ داده می‌شد، در عین حال «ابراز وجود» از دیگر ویژگی‌های این طرح است که پاسخ‌گویی به آن اتکا به نفس و رشد اجتماعی بچه‌ها را سبب می‌شود. هم‌چنین بچه‌هایی که اعتمادبه‌نفس کمتری دارند و یا کم‌رو هستند با عضویت در گروه‌ها، اعتمادبه‌نفسشان تقویت شده و کم‌کم به حذف رذایل اخلاقی در آن‌ها می‌انجامد.»

خانم فیض در رابطه با انعکاس اجرای طرح یاوران معروف در کلاس‌های درس می‌گوید: «تفاوت بچه‌ها در کلاس کاملاً مشهود است، قبلاً که امتحان شفاهی می‌گرفتم، بچه‌ها شلوغ می‌کردند اما الان با استفاده مفید از وقت و ساعت‌های تفریح برای هم‌گروه‌هایشان سؤال طراحی می‌کنند. اگر کسی در کلاس شلوغ کند، فوراً یک نفر می‌آید کنارش می‌نشیند و با علامت یا اشاره به او تذکر می‌دهد. خصوصاً در بین بچه‌ها دانش‌آموزانی وجود داشتند که به هیچ وجه نمی‌پذیرفتند که ایرادی دارند، اما پس از اجرای طرح متوجه شدند ایراداتی هم به خودشان وارد است. من

از فرایند آموزش حکایتها



محمد دشتی

عکس: غلامرضا بهرامی

مناطق ۳ و ۱۲ تهران، علیرضا آدینه دبیر تاریخ مدارس راهنمایی مناطق ۱ و ۶ تهران و محمدمهدی موسی خان دبیر تاریخ مدارس راهنمایی مناطق ۳ و ۱۲ تهران در خصوص رویکردها و راهکارهای تدریس مؤثر کتاب تاریخ جدید سال سوم راهنمایی در دفتر مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی به بحث و تبادل نظر پرداخته‌ایم.

آن چه می‌خوانید حاصل این گفت‌وگوست که با حضور دبیران درس تاریخ به موضوعات دیگری هم که مورد توجه این دبیران قرار دارد کشیده شده است.

○ دکتر پرتوی مقدم: کتاب تاریخ سوم راهنمایی که امسال وارد چرخه آموزش شده است، در سال ۱۳۸۸ در گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، مورد بازنگری و اصلاح کلی قرار گرفت. در این بازنگری و اصلاح، تقریباً ۸ درس بازنویسی شد و ۸ درس دیگر مورد ویرایش و پیرایش و اصلاح کلی قرار گرفت. از آن جا که این تغییرات نسبتاً عمده بود، تصمیم گرفته شد که کتاب به اجرای آزمایشی برسد و سپس به صورت سراسری در فرایند تدریس قرار گیرد.

«هدف از آموزش تاریخ به ویژه در مقاطع راهنمایی و متوسطه فقط انتقال پاره‌ای از اطلاعات و مفاهیم تاریخی به مخاطبان نیست، بلکه در مرتبه نخست، ایجاد انگیزه و علاقه در دانش‌آموزان برای مطالعه و پژوهش مستمر در تاریخ است. در مرتبه بعد مقصود فراهم کردن زمینه و موقعیت شناخت و تجزیه و تحلیل فرایندها و تحولات تاریخی مبتنی بر ظرفیت و استعدادهای فردی مخاطبان است.»

آن چه خواندید، بند دوم از مطلب «سخنی با دبیران» در مطلع کتاب جدید درسی تاریخ سال سوم راهنمایی است. در این بخش از صفحات آغازین کتاب درسی، در دو قسمت در ارتباط با تدریس و ارزش‌یابی کتاب و در یازده بند دیگر هم توصیه‌هایی در خصوص تدریس این درس ارائه شده است. سؤال بی‌پاسخی که جواب دقیقی برای آن نداریم این است که: چند درصد از معلمان محترم تاریخ این صفحات را مطالعه می‌کنند؟!

در گفت‌وگویی دو ساعته با حضور دکتر عباس پرتوی مقدم کارشناس مسئول گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، منصور ملک‌عباسی عضو تحریریه مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی و کارشناس برنامه‌ریزی و تألیف کتب مطالعات اجتماعی و جغرافیا، جواد باباخانی دبیر تاریخ مدارس راهنمایی



دانش آموز ما از تاریخ
تلقی تکلیف دارد و به
نظر می‌رسد این درس
برایش لذت‌بخش
نباشد که البته حاصل
شیوه تدریس و ارائه ما
در کلاس است

ما نباید بچه‌ها را
آن قدر درگیر جزئیات
کنیم که از کلیات
بسیار مهمی که
گذشته آن‌ها را به
امروز و آینده ارتباط
می‌دهد غافل شوند
و برای همین هم به
مفهومی که باید درک
کنند، دست نمی‌یابند
و از درس تاریخ دلزده
می‌شوند

در درس تاریخ ما قصد نداریم که مطالب را به صورت مجموعه‌ای از اطلاعات جزئی منفصل و پراکنده ارائه کنیم، بلکه برآنیم تا تصویری بسیط و تصویری از یک کل معنی‌دار را برای او فراهم آوریم.

دانش آموز باید با فرا گرفتن مطالب کتاب درسی خود، جایگاه ایران را در هر یک از دوره‌های تاریخی نسبت به دوره‌های قبل و بعد به خوبی درک کند و با فراز و فرودهای تاریخ کشورش در دوره‌های مختلف تاریخی آشنا شود. او باید بتواند عوامل اصلی تأثیرگذار بر روندهای تاریخی کشورش را بشناسد و یا به عبارتی، یک درک و فهم کلی از این دوره‌ها حاصل کند تا ذهن وی به مجموعه‌ای از مباحث عام و عمومی تاریخ رهنمون شود و ضمن علاقه‌مندی به تاریخ در دوره‌های بالاتر قدرت شناخت و تحلیل مقاطع تاریخی را پیدا کند.

○ **ملک عباسی:** همان طور که اشاره شد، آموزش تاریخ در ذهن معلمان و دانش آموزان با یک سری مشکلات و چالش‌هایی روبه‌روست.

به هر حال دوستان در گروه کارشناسی تاریخ کوشیده‌اند تا این کتاب را با حفظ محتوا با رویکردی جدید ارائه کنند. البته زمانی که رویکرد کتاب تغییر می‌کند، خود به خود انتظارات از معلمان و دانش آموزان هم متفاوت می‌شود و برای این که معلمان به بی‌راهه کشانده نشوند و همان گام‌ها و روش‌ها و هدف‌های سابق را دنبال نکنند، لزوماً برای یک‌یک آن‌ها در این زمینه باید اطلاع‌رسانی و روشننگری صورت گیرد.

یکی از کانال‌های مناسب و فراگیر برای این اطلاع‌رسانی و روشننگری مجلات رشد هستند. البته برای این اطلاع‌رسانی شیوه‌های متفاوت و متنوعی را می‌توان متصور شد. مثلاً انعکاس مباحثی که در گروه‌های آموزشی بین معلمان در مناطق و استان‌ها صورت می‌گیرد، می‌تواند دست‌مایه تهیه گزارشی یا مقاله‌ای برای مجلات رشد باشد. زیرا در چنین جلساتی کتاب‌های درسی از سوی کسانی که کار اصلیشان تدریس است مورد بحث، تبادل نظر و کالبدشکافی قرار می‌گیرد.

یقیناً مطالب ارزنده‌ای که مطرح خواهد شد، برای معلمانی که در دورترین مناطق کشور این درس را تدریس می‌کنند، راهگشا و مفید خواهد بود.

○ **باباخانی:** همان طور که در سخنی با معلمان ابتدای کتاب هم تأکید شده است، من از شیوه فعال برای تدریس این درس استفاده می‌کنم. البته میزان و نحوه بهره‌گیری از شیوه فعال به توانایی‌ها و مهارت‌های دانش آموزان هم بستگی دارد. من در کلاس‌هایم دانش آموزانی داشتم که در کار نقاشی و طراحی بسیار متبحر بودند. در درس تاریخ اول راهنمایی، جلساتی با این دانش آموزان گذاشتم، موضوعات را برایشان توضیح دادم و آن‌ها هم با هنر طراحی و نقاشی درس تاریخ را مصور کردند.

در واقع ما با استفاده از تابلوهایی که طراحی می‌شد با

به همین جهت سال گذشته این کتاب حدوداً در ۵۰ مدرسه و قریب ۱۰۰ کلاس درس در شهر و شهرستان‌های استان تهران اجرای آزمایشی شد. در طول اجرای آزمایشی ارزش‌یابی هم صورت گرفت و بر مبنای نتایج ارزش‌یابی، اصلاحات و تغییراتی بر حسب اطلاعات رسیده در کتاب انجام پذیرفت و این کتاب از مهرماه سال ۱۳۹۰ به صورت سراسری وارد چرخه آموزش شد.

از جمله مستندات و دلایلی که براساس آن‌ها برای تغییر و بازنگری کتاب اقدام شد، این بود که کتاب تاریخ، سال‌های متمادی تغییر نکرده و زمان بازنگری و تغییر در آن فرا رسیده بود. ضمن این که پس از سالیان طولانی و به مقتضای نیازهای جدید، مطالباتی در رابطه با این کتاب وجود داشت. براساس ملاحظات و مطالبات دبیران، دانش آموزان، سرگروه‌های آموزشی و اعضای گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی تصمیم گرفته شد اصلاحات و تغییراتی در کتاب صورت گیرد.

البته باید عرض کنم که همه این‌ها بهانه‌ای بود تا فرصتی را فراهم کنیم و به رویکردها، روش‌ها و شیوه‌های آموزش تاریخ تلنگری بزنیم و بتوانیم قالب سنتی در روش تدریس تاریخ را که در بیشتر مدارس ما غالب است دگرگون کنیم.

در روش سنتی آموزش تاریخ، تأکید و تمرکز بر انتقال اطلاعات تاریخی در قالب کلمات و واژه‌های مشخص به حافظه دانش آموز است. اما رویدادها توسط مخاطب نوجوان فهم نمی‌شوند و او به درکی از کلیت تحولات تاریخی نمی‌رسد تا بتواند پیام درسش را دریابد.

ارزش‌یابی و آزمون هم بر مدار سنجش انباشته‌های ذهنی انجام می‌گیرد و کمتر به حیطه‌های فردانحشی، به خصوص حیطه درک و فهم توجه می‌شود. و نهایتاً مخاطب درس تاریخ با گزاره‌هایی پراکنده روبه‌رو می‌گردد که نمی‌تواند ارتباط آن‌ها را با هم درک کند.

نتایج برخی از پیمایش‌هایی که انجام شد، نشان می‌دهد که اطلاعات تاریخی انباشته شده در حافظه دانش آموزان، به سرعت از ذهن آنان محو می‌شود.

این در حالی است که در اهداف برنامه‌های درسی به وضوح تأکید شده که ذهن و قلب دانش آموز ظرفی خالی و تهی نیست، بلکه مانند معدنی حاوی داشته‌های بسیار ارزشمندی است و باید ذخایر این معدن کشف و مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

در روش سنتی، نگاه به تاریخ، تماشای انگیزه‌های شناختی، مهارتی و نگرشی دانش آموز را مورد توجه قرار نمی‌دهد و ابزارها خود هدف تلقی می‌شوند و هیچ‌گاه اهداف اصلی برآورده نمی‌شوند.

تقویت مهارت گفت‌وگو، هدف دیگری است که در آموزش درس تاریخ مورد نظر بوده است. در رویکرد جدید توصیه می‌شود فقط معلم متکلم وحده نباشد و دانش آموزان هم به سهم خود در امر آموزش حضور فعال داشته باشند. در نگاه جدید، رسالت اصلی معلم به جای انتقال اطلاعات، هدایت و راهنمایی دانش آموز برای فراگیری و درک بهتر متون درسی است.



در اهداف برنامه‌های درسی به وضوح تأکید شده که ذهن و قلب دانش‌آموز ظرفی خالی و تهی نیست، بلکه مانند معدنی حاوی داشته‌های بسیار ارزشمندی است و باید ذخایر این معدن کشف و مورد بهره‌برداری قرار گیرد

در روش سنتی، نگاه به تاریخ، تمامی انگیزه‌های شناختی، مهارتی و نگرشی دانش‌آموز را مورد توجه قرار نمی‌دهد

بهره‌گیری از شیوه‌نقالی (که در قدیم در قهوه‌خانه‌ها مرسوم بود)، تاریخ را تدریس می‌کردیم.

یکی دیگر از روش‌ها برای ملموس کردن درس تاریخ این بود که مقداری گل رس از کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تهیه کردیم و زیر نظر معلم هنر، بچه‌ها آموزش دیدند و برخی از اماکن تاریخی و مجسمه شخصیت‌ها را ساختند. نتیجه کار آن قدر خوب بود که ما حتی موزه‌ای از کارهای ساخته شده توسط بچه‌ها ایجاد کردیم.

این شیوه هم در ماندگاری مطالب درس تاریخ برای بچه‌ها بسیار مؤثر بود و در آن‌ها انگیزه و علاقه بیشتری نسبت به این درس ایجاد می‌کرد. کار دیگری که انجام دادیم تا درس تاریخ را به شیوه فعال ارائه کنیم، تدریس دروس و یا ارائه آن‌ها از طریق نمایشنامه بود؛ یعنی بچه‌هایی را که ذوق این کار را داشتند شناسایی کردیم و برخی متون درسی را که قابلیت ارائه به صورت نمایشنامه را داشت با آن‌ها تمرین کردیم و بچه‌ها هم تاریخ را از طریق اجرای نمایشنامه برای دوستان خودشان ارائه کردند.

شیوه دیگر ارائه درس از طریق کنفرانس‌های دانش‌آموزی بود. البته کنفرانس‌های کلاسی و مطالب آن فقط به مطالب کتاب محدود نمی‌شد و دانش‌آموزان با راهنمایی و کمک معلم و مدرسه موظف بودند کتاب‌ها و منابع مرتبط دیگر با آن موضوع درسی را هم مطالعه و در کنفرانس خود بیان دارند.

در روشی دیگر، دانش‌آموزان را به سه گروه تقسیم می‌کنیم که با شماره‌های ۱، ۲ و ۳ مشخص می‌شوند. اعضای این گروه سه نفره هر کدام بخشی از یک متن را مطالعه و سپس با هم گفت‌وگو می‌کنند. البته قبل از گفت‌وگو در درون گروه، شماره‌های ۱، ۲ و ۳ هر گروه با هم شماره‌های خود در گروه‌های دیگر به گفت‌وگو می‌پردازند و بعد با پیوستن به گروه اولیه خود مطالب را به بحث درون گروهی می‌گذارند. در این روش برای یک متن فرضی سه پاراگرافی، هر دانش‌آموز مسئول ارائه یک پاراگراف است ولی در نهایت باید از عهده آزمون هر سه پاراگراف گروه خود برآید و علاوه بر نقشی فردی، نقش گروهی خود را هم ایفا کند.

نکته‌ای که خیلی مهم است و باید به آن توجه شود، این است که هر درسی را تنها معلم همان درس می‌تواند احیا کند. مدارس و خانواده‌ها معمولاً برای دروس پایه وقت می‌گذارند و هزینه می‌کنند و در کنار آن به دروسی مانند تاریخ، هنر، انشا و... که اتفاقاً می‌توانند مؤثر و مفید هم باشند، کم‌توجهی می‌شود. من به عنوان معلم تاریخ تلاش کرده‌ام این درس در ذهن دانش‌آموز وزنی کمتر از دروس ریاضی، علوم و زبان نداشته باشد. به همین دلیل گاهی اوقات در مدارس که تدریس داشته‌ام، بچه‌ها اعتراض کرده‌اند که تاریخ زمان کمی را به خود اختصاص می‌دهد.

آدینه: به نظر بنده نکته مهمی که باید به آن توجه شود، این است که جایگاه درس تاریخ در آموزش و پرورش به خوبی تعریف نشده است.

خانواده‌ها، مدیران مدارس، اولیا و حتی خیلی از دبیرانی که این درس را تدریس می‌کنند، در مورد جایگاه آن توجهی نشده‌اند و برایشان روشن نیست که چه چیزی باید ارائه شود و اساساً هدف از این درس چیست؟

مدیر مدرسه گاهی برای درس ریاضی اولویت بیشتری قائل است. این قضیه و موضوعاتی مشابه آن، نشانگر این است که جایگاه درس تاریخ به عنوان درس مستقل و با ارزش هنوز برای ما اهمیت پیدا نکرده است.

به همین دلیل زمانی روش‌های فعال تدریس در درس تاریخ معنا پیدا می‌کند که معلم، خانواده، مدیر و تمام کسانی که در این امر تأثیرگذار هستند، جایگاه این درس را بشناسند، بدان احترام بگذارند و در بین دروس حقی برای آن قائل باشند.

البته من هم به سهم خودم از تغییراتی که در کتاب تاریخ به وجود آمده است تشکر می‌کنم. قطعاً هر تغییری مؤثر و مفید خواهد بود. ولی باید به این نکته دقت داشته باشیم که بتوانیم سهم این تغییرات را در کل فرایند تدریس یک درس به درستی ارزیابی کنیم و گمان نکنیم که این تغییر همه مسائل و مشکلات را حل خواهد کرد. به نظر من اگر ما عموم دانش‌آموزان را در نظر داشته باشیم، اساساً باید شیوه طراحی کتاب را تغییر دهیم. این کتاب برای دانش‌آموزی که به دنبال نمره ۱۰ است کتاب مناسبی نیست؛ چون او واقعاً قدرت درک این مطالب را ندارد. از سویی دیگر، بسیاری از مدارس ما در سطح کشور هیچ امکان و منبعی برای ارائه تدریس فعال این درس ندارند تا آن را در اختیار معلم و دانش‌آموز قرار دهند.

باید توجه داشته باشیم که قرار نیست درس تاریخ برای گروه و عده‌ای خاص از دانش‌آموزان کشور ارائه شود. برداشت بنده این است که همه آن‌چه بیان می‌شود، طرح‌های ایده‌آل و قشنگی هستند ولی اگر امکان اجرا در کلاس را پیدا نکنند و قابلیت اجرایی نداشته باشند، در حد حرف باقی خواهند ماند.

موسی خان: آقای آدینه به بخشی از درد دل بنده و همکاران به خوبی اشاره کردند.

البته من اعتقاد دارم علی‌رغم همه این محدودیت‌ها، نگاه مدیران، نگاه والدین و محدودیت وقت، باز هم می‌شود کاری کرد. به قول معروف «احترام امامزاده را متولی آن باید حفظ کند»؛ جایگاه این درس هم در گام اول، باید توسط معلم مربوطه تعیین شود و بعد مورد توجه و احترام قرار گیرد. واقعاً چند درصد از ما معلمان تاریخ از تألیفات جدید حوزه تاریخ معاصر ایران باخبر هستیم؟ و این تألیفات را می‌خوانیم؟ چه مقدار از کتاب‌های روش تدریس را مطالعه می‌کنیم؟ بسیاری از همکاران و معلمان تاریخ ما خود را بی‌نیاز از مطالعه می‌دانند.

این موضوع یعنی عدم توجه به مطالعه و یادگیری مستمر و دیگر عواملی که دوستان از آن یاد کردند، فاجعه‌ای را برای درس تاریخ رقم زده است که متأسفانه هنوز هم

ادامه دارد.

خوشبختانه چند سالی است که بحث تحقیق و پژوهش محوری در کشور مطرح شده و ما جشنواره‌هایی هم برای معرفی معلم پژوهنده داشته‌ایم. معلمان هم سعی می‌کنند دانش‌آموزان را به پژوهش و تحقیق وادارند و مثلاً به دانش‌آموزان می‌گویند، در خصوص کریم‌خان زند، ناصرالدین شاه و... تحقیق کنند و نتیجه آن را ارائه دهند. ولی متأسفانه بچه‌ها هیچ کدام نه باروش تحقیق آشنا هستند و نه حاضرند کار تحقیقی و پژوهشی به معنای واقعی انجام دهند.

پس جمع‌بندی من از این مطلب چنین است که همکاران عزیز ما هم در ارائه شیوه تدریس و نگاه به درس تاریخ نقش اساسی و انکارناشدنی دارند که در مجموعه مسائلی که بیان می‌شود، نباید مورد غفلت قرار گیرد.

○ دکتر پرتوی مقدم: من از همه همکاران که با طرح

مطالب خودشان در این بحث شرکت کردند تشکر می‌کنم. در جمع‌بندی مطالب می‌توانم بگویم که همه عزیزان در خصوص این که، باید رویکرد سنتی را کنار بگذاریم، اتفاق نظر داشتند و لازم بود که در جایی تلنگری زده می‌شد و از این رویکرد عبور می‌کردیم.

در غیر این صورت با چنین تصویری اساساً آموزش تاریخ دیگر علم تلقی نمی‌شود و در خوش‌بینانه‌ترین و مطلوب‌ترین وضعیت آن به صورت مجموعه‌ای از گزاره‌های پراکنده و یا مجموعه‌ای از کلمات و واژه‌ها جلوه می‌کند که دانش‌آموز باید آن را فرا گیرد و مانند محکومی است که راهی جز روخوانی، امتحان و عبور از این درس را ندارد. البته معنی حرفم این نیست که مسئولان، برنامه‌ریزان و مؤلفان هیچ تقصیر و کوتاهی در این خصوص نداشته‌اند ولی من علم حاکمیت این رویکرد و عملیاتی کردن آن را در دست معلمان می‌بینم.

مسئله دیگر این است که ما هنوز نتوانسته‌ایم فایده تاریخ و خواندن کتاب تاریخ را برای دانش‌آموز روشن کنیم و او گمان می‌کند مطالعه تاریخ برای حفظ کردن، نمره گرفتن و از یاد بردن است. و این‌ها همه از نگاه و روش تدریس ما سرچشمه می‌گیرد. البته محتوا هم از همین نگاه تأثیر پذیرفته است و نیاز به اصلاح دارد.

دانش‌آموز ما از تاریخ تلقی تکلیف دارد و به نظر می‌رسد این درس برایش لذت‌بخش نباشد که البته حاصل شیوه تدریس و ارائه ما در کلاس است.

در کجا سراغ داریم که یادگیری، در فضای پر از اضطراب، ترس از درس، ترس از دبیر و ترس از امتحان به مفهوم واقعی اتفاق افتاده باشد؟

من با بسیاری از گفته‌های دوستان موافقم. مثلاً ساعت درس تاریخ با این همه قدمت تاریخی کشور ما ایران ساعتی محدود و اندک است. واقعاً در این وقت محدود نمی‌توانیم به فراز و نشیب‌هایی که این ملت پشت سر گذاشته است به شایستگی اشاره کنیم و این اصلاً در شأن این کشور و این ملت نیست. هر چند در این باره هیچ شک و تردیدی وجود

ندارد، اما من معتقدم که اگر رویکرد ما همان رویکرد سنتی باشد و ساعات درس تاریخ را هم به ۵ ساعت افزایش دهیم، باز هم مشکلی حل نخواهد شد.

باید نگاه، روش و تلقی خود را از هدفی که نسبت به این درس داریم عوض کنیم. بحث ما هم فقط انتقال مطالب نیست بلکه معلم باید خطوط اصلی را مشخص سازد، فرایندها را بیان کند و نقشش راهنمایی دانش‌آموز باشد.

براساس پژوهشی که انجام گرفته است مادر تاریخ چند هزار ساله خود حدود ۱۲۰۰ جنگ را پشت سر گذاشته‌ایم. بخشی مهم از تاریخ ما به چگونگی این جنگ‌ها در کتاب‌های درسی پرداخته است.

ولی اگر به شکل فرایندی به این جنگ‌ها نگاه کنیم، دانش‌آموز می‌تواند از جمع‌بندی این اتفاقات نتیجه مشخصی بگیرد. در بسیاری از این جنگ‌ها پیروز شده‌ایم و در برخی هم شکست خورده‌ایم. حال اگر این جنگ‌ها به درستی تحلیل شود، دانش‌آموز ما که مدیر و مسئول فردای این جامعه است، با داشتن دلایل پیروزی یا شکست‌ها تصمیمات عاقلانه‌تر و هوشمندانه‌تری برای آینده خود خواهد گرفت و به مطالب درس تاریخ به عنوان مجموعه‌ای پراکنده و بدون ارتباط با هم نگاه نخواهد کرد.

نکته کلیدی دیگر در این موضوع این است که دانش‌آموز متوجه خواهد شد در کشوری زندگی می‌کند که همیشه دشمنانی داشته و دائماً در معرض خطر و آسیب بوده است و متوجه می‌شود که ایرانی بودن پیوسته با هزینه پرداختن همراه بوده است.

نکته دیگری که دانش‌آموز بدان پی می‌برد این است که علی‌رغم شکست‌های متعدد، تاریخ، فرهنگ و نشانه‌های تمدنی کشورش حفظ شده و این موضوع نشانگر هویت و اصیل بودن فرهنگ سرزمین اوست؛ سرزمینی که او باید امروز از آن نگاهیانی و حفاظت کند. این چیزی است که برای دانش‌آموز جذاب و دوست داشتنی جلوه می‌کند و تلقی او فقط انجام و رفع تکلیف و دادن امتحان نخواهد بود. ما نباید بچه‌ها را آن قدر درگیر جزئیات کنیم که از کلیات بسیار مهمی که گذشته آن‌ها را به امروز و آینده ارتباط می‌دهد غافل شوند و برای همین هم به مفهومی که باید درک کنند، دست نمی‌یابند و از درس تاریخ دلزده می‌شوند. اگر ما برخی از جزئیات را در کتاب‌های جدید حذف کرده‌ایم، دقیقاً به دلیل توجه به این مشکل و حل آن بوده است. ما دروس را به سمت فهم فرایندهای اساسی‌تر و کلی‌تر برده‌ایم تا این ارتباط منطقی فرایندهای تاریخی حفظ شود.

معلمان عزیز هم حتماً توجه خواهند داشت که با رویکرد تدریس فعال و مفهومی و دوری از روش‌های تدریس سنتی، باید در نحوه ارزش‌یابی و اجرای آزمون از کتاب نیز تجدیدنظر کنند تا ضمن تأثیرگذاری بیشتر امتحان در فرایند یاددهی - یادگیری، آن چه را دانش‌آموزان فرا می‌گیرند خیلی زود از یاد نبرند و بتوانند در زندگی عملی خود هم از این آموخته‌ها استفاده کنند.

دوره نامحسوس درس تاریخ

رسالت اصلی معلم به جای انتقال اطلاعات، هدایت و راهنمایی دانش‌آموز برای فراگیری و درک بهتر متون درسی است

دانش‌آموز باید با فرا گرفتن مطالب کتاب درسی خود، جایگاه ایران را در هر یک از دوره‌های تاریخی نسبت به دوره‌های قبل و بعد به خوبی درک کند و با فراز و فرودهای تاریخ کشورش در دوره‌های مختلف تاریخی آشنا شود

چگونه کلاس تاریخ را شیرین کنیم؟

آماده سازی

دانش آموزان با ورود به دوره راهنمایی با موضوعات درسی متعدد و کتاب و معلمان بیشتری مواجه می شوند و در فضای جدیدی قرار می گیرند؛ چنان که هر کدام از معلمان به درستی بر آن است تا دانش آموزان به درس وی علاقه مضاعفی نشان دهند. پس می کوشند تا با استفاده از شیوه های گوناگون بر اهمیت موضوع تدریس خویش پافشاری کنند که البته این مهم امری ضروری و طبیعی است. در این بین، ما معلمان تاریخ هم سعی می کنیم تا درس تاریخ را در جایگاه ویژه ای از اهمیت قرار دهیم و نسبت به سایر دروس کم نیاوریم. حداقل این که اهمیت درس تاریخ را در ردیف سایر دروس یا حتی برتر از آن ها بدانیم. با این اوصاف بیندیشیم که چه شیوه ای را اتخاذ کنیم تا هم بر جذابیت این درس بیفزاییم و هم علاقه دانش آموزان را مضاعف کنیم.

من هم مانند شما همکار عزیز همین دغدغه را داشتم. فکر می کردم همه چیز به چگونگی برگزاری اولین جلسه درس برمی گردد. این جلسه بسیار مهم و کلیدی است. باید ذهنیت ها را در جهت مثبت تغییر داد و برداشت های منفی را کمرنگ کرد. اولین کلاس درسی را این گونه شروع می کنم. از دانش آموزان می خواهم به این سؤال پاسخ دهند که: «من کیستم؟» در واقع به جای این که با سؤالاتی تکراری و کسل کننده مانند «چرا تاریخ می خوانیم؟» یا

«اهمیت و فایده مطالعه تاریخ چیست؟» درس را شروع کنیم و پاسخ های تکراری و کلیشه ای مطرح شود، از روش دیگری به این هدف می رسیم. بله، همه به این موضوع فکر می کردند که چه کسی هستند. برداشت ها و تعبیر متفاوت بود. برخی پاسخ ها چنین بود: مسلمان هستم، ایرانی هستم، آریایی هستم، شیعه اثنی عشری هستم، فرزند حضرت آدم هستم و برخی به نام یا نام خانوادگی اکتفا می کردند. ولی پاسخ های جالب و شنیدنی فراوانی هم مطرح می شد. با این سؤال ضمن این که به تاریخ ورود پیدا می کنیم و غیرمستقیم به این سؤال که «چرا تاریخ می خوانیم؟» پاسخ می دهیم، در واقع تلنگری به هویت می زنیم.

در جلسات بعدی ضمن آموزش درس تاریخ، پرسش هایی با مدل های دیگر مطرح می کنیم: چه کسی اسمش را دوست دارد؟ چه کسی دوست ندارد؟ چرا؟ اگر اسمت را دوست نداری، دوست داشتی چه اسمی داشته باشی؟ چرا؟ هم چنان که معنا و مفهوم هویت را با طرح این گونه سؤالات تعقیب می کنیم، می توانیم تا پایان سال تحصیلی علاوه بر آموزش درس تاریخ با استفاده از این گونه سؤالات غنای بیشتری به این درس ببخشیم.

اما سؤالات بعدی این هاست: آیا از این که ایرانی هستی راضی و خشنودی؟ چرا؟ از این که مسلمان شیعه هستی چه طور؟ کدام کشور را برای ملیت دوم خودت انتخاب می کنی؟ چرا؟

کردیم که نتیجه آن تولید چندین تابلو و پرده‌های تاریخی بود برای تاریخ اول، دوم و سوم راهنمایی که برای نمونه تصویر یکی را در این جا مشاهده می‌کنید.



درس تاریخ
ویرانه نامی



این تصویر سیر تاریخ اسلام را از تولد تا رحلت پیامبر (ص) نشان می‌دهد. جالب است بدانید دو نفر از این بچه‌ها در دانشگاه رشته هنر را انتخاب کردند و ما با هم در دوران دانشجویی فعالیت‌هایی را برای مصور کردن کتاب‌های تاریخ دوره راهنمایی انجام دادیم، اما ناتمام ماند. یک روز در کلاس اول اوصاف شخصیتی و ظاهری اسکندر را بیان می‌کردم که پس از کلاس دیدم یکی از دانش‌آموزان تصویر اسکندر را نقاشی کرده است.

هدف از بیان خاطره این بود که بسیاری از حوادث و وقایع تاریخی را می‌توان به عنوان تکلیف یا فعالیت خارج از کلاس به دانش‌آموزان محول کرد تا یک واقعه تاریخی را به تصویر بکشند.

از جمله کارهای دیگری که برای درس تاریخ انجام دادم این بود که با همکاری معلم هنر مقداری گل رس آماده از کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تهیه کردیم که پس از آموزش مختصر، دانش‌آموزان شروع به ساختن اشیای تاریخی کردند که این کارها در مدرسه نگهداری می‌شود. در تکمیل این کار برخی از اشیای بدل تاریخی (ماکت اشیای تاریخی) را هم خریدیم و یک موزه کوچک در مدرسه درست کردیم.

مثلاً در درس تاریخ اول هنگامی که به هخامنشیان می‌رسید، می‌توانید پرسید چه کسی دوست دارد نامش کوروش یا داریوش باشد؟ چرا؟ آیا دوست داشتی خود کوروش بودی؟ چرا؟ اگر به جای داریوش سوم بودی در مقابل اسکندر چه اقداماتی انجام می‌دادی؟ چه کسی دوست دارد نامش اسکندر باشد؟ چرا؟ اگر جای آریوبرزن بودی چه می‌کردی؟

در تاریخ دوم می‌شود سؤالاتی مشابه تاریخ اول مطرح کرد؛ مثلاً: از این که سلمان فارسی یک ایرانی بود که در رکاب پیامبر (ص) برای تحکیم پایه‌های دین مبین اسلام تلاش می‌کرد، چه احساسی داری؟

همه این سؤالات باعث می‌شود تا دانش‌آموزان خود را در متن وقایع تاریخی قرار دهند و درک درستی از تاریخ داشته باشند؛ مانند: اگر قاضی دادگاه بودی این افراد را به چه جرمی محاکمه می‌کردی؟ معاویه، یزید و...

باید در کلاس درس افراد بدنام تاریخ را محاکمه کرد و در مقابل به نامداران تاریخ نیز نشان افتخار داد.

در تاریخ سوم می‌توان مشابه سؤالات مذکور طرح کرد: چه نمره‌ای از ۱ تا ۲۰ به شاه اسماعیل می‌دهید؟ چرا؟ به جای این که برسید (اقدامات شاه اسماعیل را نام ببرید).

برای تحلیل اقدامات امیرکبیر می‌توان این پرسش را مطرح کرد که: به هر یک از اقدامات امیرکبیر چه نمره‌ای از ۱ تا ۲۰ می‌دهید؟ چرا؟ و بدین ترتیب اقدامات امیرکبیر را ارزش‌گذاری می‌کنیم.

چرا از محمدعلی شاه تنفر دارید؟

از مزایا و فواید این گونه پرسش‌ها این است که همه دانش‌آموزان با مشارکت فعال اظهار نظر می‌کنند و منفعل نیستند. پاسخ‌های واگرا جذابیت بیشتری به تاریخ می‌دهد؛ چرا که این‌ها بخش کوچکی از انبوه پرسش‌های خلاق است که خودتان می‌توانید آن‌ها را بسازید و با طرح این پرسش‌ها در هر جلسه غنای بیشتری به آموزش تاریخ ببخشید و کلاس تاریخ را از حالت یک‌نواختی و بی‌روح بودن خارج کنید. پس همه ابزار در دستان شما معلمان خوش فکر تاریخ است.

اجازه بدهید خاطره‌ای را برایتان نقل کنم: اردیبهشت ماه بود. در یکی از کلاس‌های تاریخ، دقایق پایانی درس از دانش‌آموزان خواستم درس آن روز را به نوبت روخوانی کنند. یک نفر حواسش به درس نبود؛ از او خواستم به روخوانی ادامه دهد اما نمی‌دانست کجا را باید بخواند. به او گفتم در زنگ تفریح نزد من بیاید. علت را که از او جویا شدم، گفتم عکس شما را نقاشی می‌کردم. وقتی تصویر را دیدم متوجه شدم از توانایی هنری فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

مدت‌ها قبل به فکر تهیه پروژه‌های تاریخ بودم. از او خواستم که در تابستان برای تهیه پروژه‌های تاریخ با من همکاری کند. گفت دو نفر دیگر از بچه‌ها هم چنین توانایی دارند. خلاصه پس از گفت‌وگو و هماهنگی‌های لازم با مدرسه و خانواده‌ها و معلم هنر، کار را در تابستان شروع

پژوهش

ارزش‌یابی اجرای آزمایشی کتب

دوره نهم
درس تاریخ

مشارکت

سال سوم راهنمایی

فاطمه غدیری
مجری طرح ارزش‌یابی

اهداف پژوهش

در بازنگری درس تاریخ سال سوم راهنمایی، تغییرات محتوایی کل کتاب براساس محورهای ذیل انجام پذیرفت:

- رفع پارهای از اشکالات محتوایی؛
- تکمیل اطلاعات کتاب؛
- سازمان‌دهی مجدد کتاب جهت تسهیل فرایند یاددهی - یادگیری؛
- برقراری تعادل نسبی در ابعاد تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی؛
- درج تصاویر جدید جهت کیفیت‌بخشی و جذابیت بیشتر.

در طرح ارزش‌یابی از کتاب تاریخ بازنگری شده، اهداف ارزش‌یابی، سؤال‌های ارزش‌یابی و متغیرهای مورد مطالعه تدوین و سپس روش پژوهش شامل جامعه و نمونه آماری و ابزارهای گردآوری اطلاعات و چگونگی تجزیه و تحلیل داده‌ها مشخص گردید.

جامعه آماری و نمونه

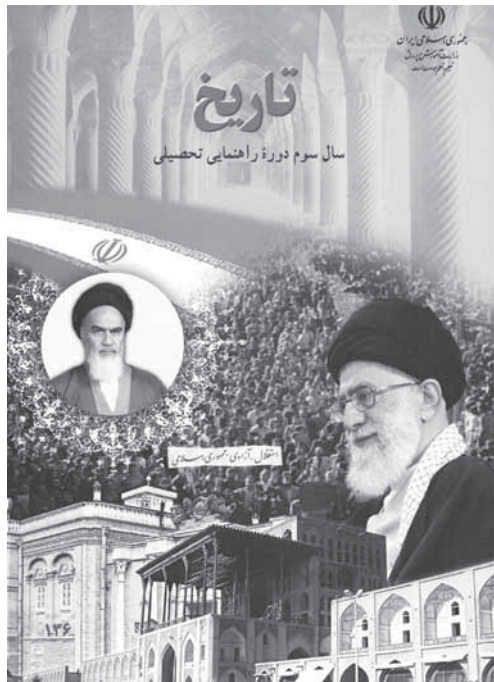
براساس اهداف و سؤال‌های این پژوهش،

همگامی با روند تحولات در عرصه‌های مختلف دانش بشری و ضرورت تغییر و تحول و سامان‌دهی و به‌روزرسانی اطلاعات در نظام‌های آموزشی امری اجتناب‌ناپذیر و قطعی است. با چنین رویکردی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی عمر مفید برنامه‌ها و کتاب‌های درسی، کیفیت‌بخشی و غنی‌سازی محتوایی و شکلی آن را در دستور کار خود قرار داده است.

برنامه درس تاریخ دوره راهنمایی تحصیلی تدوین شده در سال ۱۳۸۱ بنا به ضرورت تغییر و تحول در برنامه‌ها، در سال ۱۳۸۶ مورد بازنگری قرار گرفت. براساس این برنامه، کتاب تاریخ سال سوم راهنمایی برای اولین بار در سال ۱۳۸۸ بازنگری کلی شد و در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ در تعدادی از مدارس منتخب شهر تهران و شهرستان‌های استان تهران به اجرای آزمایشی درآمد. هم‌زمان با اجرای آزمایشی این کتاب، ارزش‌یابی از آن نیز در دستور کار سازمان پژوهش قرار گرفت. این ارزش‌یابی به منظور سنجش کیفیت محتوایی و ظاهری کتاب تاریخ بازنگری شده، جهت رفع نواقص و اشکالات احتمالی آن صورت گرفت.

شماره ۶ اسفند ۹۰
دوره ۱۷

در زمینه تناسب محتوا با روش های یاددهی - یادگیری، نظر دبیران بالاتر از حد قابل قبول، اما نظر دانش آموزان کمتر از آن است و در این مورد اختلاف معناداری مشاهده می شود. بدیهی است که محتوای کتاب تنها عامل تأثیرگذار در میزان مشارکت دانش آموزان در فرایند یادگیری نیست و فراهم کردن امکانات و شرایط مناسب و فعالیت های پیش بینی شده دبیران و دانش آموزان در تحقق این مسئله کاملاً مؤثر است. براساس نظرات مشاهده گران عملکرد معلمان در



کلاس های درس طرح آزمایشی بسیار مطلوب بوده و نگرش دانش آموزان نسبت به کتاب درسی مثبت گزارش شده است.

در رابطه با موانع اجرای یک تدریس موفق، مهم ترین عامل عدم تناسب بین حجم کتاب با زمان تدریس (کمبود وقت) و کمبود وسایل کمک آموزشی در کلاس های درس تاریخ ارزیابی شده است.

یافته های حاصل از نظرات کمی و کیفی این پژوهش نشانگر رضایت اکثریت جامعه پژوهش از اصلاح و بازنگری کتاب تاریخ سال سوم راهنمایی است و اعتقاد بر این است که این کتاب از نقاط قوت خوبی برخوردار است و بازنگری و اصلاح آن به طور کلی مورد تأیید قرار گرفته است. از مقبولیت این کتاب نزد مجریان و مخاطبان اصلی آموزش - دبیران ارجمند و دانش آموزان گرامی - چنین استنباط شد که کتاب تاریخ سال سوم راهنمایی (اجرای آزمایشی ۹۰-۱۳۸۹) با انجام اصلاحاتی از قابلیت اجرای سراسری برخوردار است.

پرسش نامه هایی در اختیار ۴۳ نفر از سرگروه های آموزشی و دبیران و ۳۰۰ نفر از دانش آموزان مدارس مجری طرح گذاشته شد. قابلیت اجرای کتاب و مشاهده عملکرد دبیران و دانش آموزان مجری طرح و نیز مشاهده وضعیت فیزیکی کلاس های درس مجری طرح آزمایشی نیز توسط اعضای کمیته ارزشیابی - اعضای محترم گروه تاریخ دوره راهنمایی شهر تهران و شهرستان های استان تهران - هم زمان با اجرا مورد نظارت و ارزیابی قرار گرفت. در این ارزشیابی اهداف زیر بررسی و تجزیه و تحلیل شد:

- میزان ارتباط و انسجام منطقی و سازمان دهی مناسب محتوای کتاب؛
- میزان تناسب محتوا با قدرت فهم و درک دانش آموزان؛
- میزان تناسب محتوا با نیازها و علایق دانش آموزان؛
- میزان تناسب محتوا با روش های یاددهی - یادگیری؛

○ میزان مطلوبیت کتاب به لحاظ ساختار فیزیکی و ظاهری؛

○ بررسی مشکلات و موانع موجود در اجرا. در مورد جامعه و نمونه آماری این پژوهش، ویژگی های جمعیت شناختی دبیران مورد مطالعه قابل توجه است.

* گروه نمونه دبیران انتخاب شده، شامل ۲۸ نفر زن و ۱۵ نفر مرد است؛

* سطح تحصیلات دبیران مورد مطالعه فوق دیپلم تا فوق لیسانس است؛

* رشته تحصیلی اکثریت دبیران، علوم اجتماعی است؛

* اکثر دبیران مورد مطالعه از سابقه ۱۶ تا ۲۰ سال بر خوردار هستند؛

* سابقه تدریس درس تاریخ پایه سوم دبیران منتخب بین ۱ تا ۲۵ سال با میانگین ۱۲ سال است.

نتایج

نتایج تحقیقات نشان داد که نظرات دبیران و دانش آموزان در زمینه انسجام و سازمان دهی محتوای کتاب تاریخ سال سوم راهنمایی و نحوه گزینش محتوا و میزان انطباق آن با نیازها و علایق دانش آموزان بسیار مطلوب و میزان رضایت از کیفیت فیزیکی و ظاهری کتاب فوق العاده زیاد است.

رضایت دبیران از رعایت تعادل در ابعاد تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کتاب و ایجاد رغبت به مطالعه در دانش آموزان در حد قابل قبول است.

شبهه‌نگار

ویژه‌نامه
درس تاریخ

ارزش‌یابی و هدف‌های آموزشی کتاب تاریخ سوم راهنمایی

حشمت‌اله سلیمی

کارشناس گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

الف) توصیه‌ها

○ توجه به فلسفه وجودی و اهداف کلی

درس تاریخ: فلسفه وجودی درس تاریخ ایجاد انگیزه و علاقه در دانش‌آموزان برای مطالعه و پژوهش مستمر در تاریخ و فراهم کردن زمینه لازم برای شناخت و تجزیه و تحلیل رخدادها، فرایندها و تحولات تاریخی با در نظر گرفتن ظرفیت و استعدادهای فردی مخاطبان است. بنابراین هدف درس تاریخ انباشتن ذهن دانش‌آموزان از مجموعه‌ای از نام اشخاص، گروه‌ها، مکان‌ها و... نیست. در راستای فلسفه وجودی و اهداف کلی درس تاریخ، شایسته است که معلم به مفاهیم و موضوعات کلی و به بیانی دیگر به سیر فرایندها و سیر تحولات تاریخی و علل و عوامل و پیامدهای آن‌ها توجه بیشتری معطوف کند. توجه و تأکید معلم بر این موضوعات موجب می‌شود دانش‌آموزان هدف درس را به خوبی درک کنند. توجه به اهداف کلی را می‌توان نوعی طرح درس مفهومی به حساب آورد؛ به این معنی که معلم را به این درجه از وقوف می‌رساند که بر چه قسمت‌هایی از موضوعات تأکید و توجه بیشتری داشته باشد.

○ پرهیز از پرداختن بیش از حد به جزئیات:

درس تاریخ دوره راهنمایی در پی آن است که درباره موضوعات اساسی تاریخ آگاهی‌های نسبتاً کلی به دانش‌آموزان ارائه دهد. بنابراین، درگیر کردن ذهن دانش‌آموزان با مسائل جزئی نظیر نام اشخاص و زمان وقوع رخدادها (سال‌ها)، آن‌ها را از موضوعات اساسی دور می‌کند. البته اطلاع دانش‌آموزان از نام چهره‌های

کتاب تاریخ سوم راهنمایی سال ۱۳۸۸ مورد اصلاح و بازنگری قرار گرفت؛ تعداد ۸ درس از درس‌های کتاب، بازنویسی و ۸ درس نیز ویرایش و اصلاح شد. تصاویر و نقشه‌های جدیدی به کتاب افزوده شد و در بعضی موارد تصاویر جدید به جای تصاویر قبلی قرار گرفت. سپس کتاب (چاپ آزمایشی ۸۹) در تعدادی از مدارس شهر تهران و شهرستان‌های استان تهران در سال تحصیلی ۸۹-۹۰ به صورت آزمایشی تدریس شد. در حین تدریس، کتاب مورد ارزش‌یابی قرار گرفت و براساس نتایج به دست آمده از ارزش‌یابی، مجدداً اصلاحاتی در آن ایجاد شد. این کتاب در سال تحصیلی (۹۰-۹۱) در چرخه آموزشی قرار گرفت. با توجه به این تغییرات، اشاره به نکاتی درباره فلسفه وجودی و اهداف کلی درس تاریخ و تدریس و ارزش‌یابی آن، ضروری تشخیص داده شد. این نوشته ابتدا به توصیه‌هایی می‌پردازد که عمل به آن‌ها می‌تواند به کیفیت جریان یاددهی و یادگیری و ارزش‌یابی کمک کند. سپس اهداف کلی کتاب را معرفی می‌کند.



شاخص حکومت‌ها و شخصیت‌های سیاسی و علمی و نیز سال وقوع رخدادهای شاخص نظیر انقلاب مشروطه، خالی از فایده نیست؛ اما این گونه اطلاعات بهتر است حتی المقدور در ارتباط با همان موضوعات اساسی مطرح شود. در این صورت نام شخصیت‌ها و سال رخدادها، معنای واقعی خود را می‌یابند و به موضوعات اساسی مورد نظر معلم هم مفهوم عینی‌تر می‌بخشند.

○ حفظ انسجام و جامعیت کتاب و درس‌ها:
کتاب و هر کدام از درس‌های آن، مجموعه‌ای منسجم و نسبتاً جامع از اطلاعات است و هر کدام از گزاره‌ها و پاراگراف‌های آن در ارتباط با دیگر گزاره‌ها، معنا و مفهوم واقعی خود را می‌رسانند. تبدیل محتوای کتاب به گزاره‌های جدا از هم با استفاده از طرح پرسش‌های مختلف و تفکیک پاسخ آن‌ها، کتاب و درس‌های آن را از انسجام و جامعیت دور می‌کند. در چنین حالتی، دانش‌آموزان هر کدام از قسمت‌های درس را به طور جداگانه و تنها به عنوان پاسخ پرسش‌ها، مطالعه می‌کنند و ارتباط موضوعات اساسی را با هم درک نمی‌کنند.

○ توجه به تصاویر، نقشه‌ها، نمودارها و جداول: درس‌ها علاوه بر متن دارای تصویر، نمودار، نقشه و جدول هستند. هر کدام از این موارد دربردارنده اطلاعاتی‌اند که می‌توانند در انتقال مفاهیم و اطلاعات مؤثر واقع شوند. بنابراین لازم است در هنگام تدریس توجه دانش‌آموزان را به آن‌ها معطوف کرد.

○ توجه به فعالیت‌های تکمیلی: در پایان هر درس علاوه بر پرسش‌هایی که در ارتباط با اهداف جزئی آن طرح شده‌اند، یک فعالیت تکمیلی هم گنجانده شده است. هدف از این فعالیت این است که دانش‌آموز با توجه به کلیت درس، درکی کلی و منسجم از مطالب درس ارائه دهد. در این‌جا هدف پرداختن به جزئیات نیست، بلکه هدف این است که دانش‌آموز با ایجاد ارتباط بین تمام اجزای درس، یک فهم کلی از آن به دست آورد. برای تکمیل پاسخ سؤالاتی که در ذیل «فعالیت تکمیلی» مطرح شده، باید به دانش‌آموزان یادآوری کرد که لازم نیست عیناً از جملات و عبارت‌های کتاب استفاده کنند، بلکه می‌بایست برداشت کلی خود را به بیان ساده و البته صحیح ارائه دهند.

○ برگزاری فعالیت‌های خارج از کلاس: توصیه می‌شود برای ایجاد درک عینی از موضوعات تاریخی، بازدید از موزه‌ها و اماکن تاریخی در برنامه درسی قرار گیرد. بازدید می‌تواند ارتباطی نسبتاً بی‌واسطه بین آنچه که دانش‌آموز می‌بیند و موضوعاتی که در کتاب با آن‌ها آشنا شده است، در ذهن او ایجاد کند. چنین ارتباطی تأثیری پایدار در ذهن دانش‌آموزان بر جای می‌گذارد. برای بهره‌گیری مطلوب از بازدید، شایسته



جاودانه تاریخ: شهید علی اکبر قربان شهبودی، شجاع‌ترین خلبان جهان
زادگاه او روستای بالا شبرود تنکابن است. وی بالاترین ساعت پرواز جنگی را در جهان دارد. در طول چندین هزار مأموریت هوایی، بیش از ۳۰۰ گلوله به بالگردش اصابت کرد و بارها تا مرز شهادت پیش رفت، اما با شجاعت تمام در برابر دشمن متجاوز ایستاد. شهید شبرودی سراجام در آخرین عملیات پروازی خود (۱۳۶۰/۲/۸) هنگامی که نیروهای دشمن حتی با ۲۵۰ تانک و پشتیبانی توپخانه و هواپیما به سوی ریل ذهاب در حرکت بود به پرواز درآمد و پس از انهدام چندین تانک دشمن به شهادت رسید. صاحب نظران جنگ‌های هوایی او را نامدارترین خلبان جهان نامیده‌اند.

درس تاریخ
ویژه نهم

از جزئی‌نگری پرهیز
و کمتر بر پرسش‌های
دانشی و سطحی مانند
اسامی شخصیت‌ها،
مکان‌ها، گروه‌ها و...
تمرکز شود

است که معلم یک جلسه پیش از انجام بازدید، اهمیت آن را برای دانش‌آموزان توضیح دهد و فضای کلی محل و اشیای مورد بازدید را برای آنان تشریح کند. هم‌چنین اختصاص بخشی از نمره کلاسی به ارائه گزارش کتبی، می‌تواند بر کیفیت بازدید بیفزاید.

○ در ارزش‌یابی‌ها به توصیه‌های زیر توجه شود:

* در طراحی سؤالات به اهداف درس تاریخ توجه شود؛

* از طرح سؤالاتی که پاسخ آن‌ها مستلزم پرداختن به جزئیات است، خودداری شود؛

* چنان‌چه موضوع سؤال مربوط به زمانی مشخص است، حتماً زمان آن (دوره یا سال) در صورت سؤال در داخل پرانتز نوشته شود؛

* از طرح سؤالات به شیوه‌ای که موجب انحراف ذهن دانش‌آموزان می‌شود، خودداری گردد؛

* ارزش‌یابی‌ها با فلسفه وجودی درس تاریخ و اهداف کتاب و درس، انطباق و هماهنگی داشته باشند؛

* در طراحی سؤالات به سطوح مختلف شناختی به ویژه حیطه درک و فهم توجه شود؛

* در طراحی آزمون بر زمینه‌ها، دلایل و پیامد رخدادها و پدیده‌های تاریخی و مقایسه دوره‌های تاریخی توجه و تأکید شود؛

* از جزئی‌نگری پرهیز و کمتر بر پرسش‌های دانشی و سطحی مانند اسامی شخصیت‌ها، مکان‌ها، گروه‌ها و... تمرکز شود.





ب) اهداف آموزشی

با توجه به آن چه که در بحث فلسفه وجودی و اهداف کلی به آن اشاره شد، اهداف کلی بیشتر معطوف به فرایندها و سیر تغییر و تحولات تاریخی و علل و پیامدهای آنهاست. شایسته است معلمان گرمی در فرایند تدریس، به اهداف کلی جنبه آموزشی بدهند؛ به این معنی که اهداف کلی را به اهدافی که دانش آموز بایستی به آن نایل آید تبدیل کنند. منظور از اهداف آموزشی آن دسته از تغییراتی است که انتظار می رود در نتیجه جریان یاددهی و یادگیری یک درس و یا یک ماده درسی در رفتار آموزشی دانش آموزان ایجاد شود. در این راستا درباره درس تاریخ سوم راهنمایی انتظار می رود تدریس این درس تغییرات زیر را در رفتار آموزشی دانش آموز ایجاد کند:

- زمینه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی داخلی تأسیس، استقرار و تثبیت حکومت صفوی را درک کند؛
- ساختار اجتماعی سه گانه جامعه ایران (روستائشینیان، شهرنشینان و کوچ نشینیان) را بشناسد؛
- چگونگی گسترش و اشاعه فرهنگ و معارف شیعه در ایران را بداند؛

- تحولات روابط حکومت صفوی با همسایگان (دشمنی و درگیری نظامی با عثمانیان و ازبکان) و گسترش روابط سیاسی و اقتصادی با دولت های اروپایی را درک کند؛

- فرایند سقوط حکومت صفوی را با توجه به علل و عوامل آن بشناسد؛

- اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران در دوران افشاریه و زندیه را با توجه به تجاوزات بیگانگان و رقابت و درگیری های داخلی بشناسد؛

- زمینه های تشکیل و تثبیت حکومت قاجار را درک کند؛

- اهداف و رقابت های استعماری روسیه، انگلستان و فرانسه در ایران در دهه های نخست حکومت قاجار

را با توجه به تجاوز روسیه، تلاش انگلستان برای سلطه سیاسی و اقتصادی بر ایران و کوشش فرانسه برای استفاده از موقعیت ایران جهت اهداف استعماری خود بفهمد؛

- تداوم نفوذ و سلطه انگلستان و روسیه بر ایران در دوران قاجار را با توجه به تحمیل قراردادهای سیاسی، اخذ امتیازات اقتصادی و دخالت در امور داخلی ایران بشناسد؛
- شیوه مدیریت سیاسی و اداری شاهان، وزیران و کارگزاران حکومت قاجار را درک کند؛

- جنبش ها و قیام های مردمی علیه استعمار خارجی و استبداد داخلی را با تکیه بر نهضت تنباکو و انقلاب مشروطه تشخیص دهد؛

- نقش و عملکرد رهبران و شخصیت های روحانی و روشنفکر در مبارزات ضد استبدادی و ضد استعماری را درک کند؛

- از تأثیرات و پیامدهای دو جنگ جهانی بر ایران آگاه باشد؛

- زمینه ها و علل و عوامل ظهور، استقرار و سقوط حکومت رضا شاه را بشناسد؛

- رقابت انگلستان، شوروی و آمریکا برای سلطه بر ایران در دوره بعد از سقوط سلطنت رضا شاه را درک کند؛

- زمینه ها، اهداف و دستاوردهای جنبش ملی شدن نفت را بفهمد؛

- از علل وقوع کودتای ۲۸ مرداد و پیامدهای کوتاه مدت و دراز مدت آن را با توجه به سلطه سیاسی و اقتصادی آمریکا بر ایران آگاهی داشته باشد؛

- زمینه ها و عوامل بروز نهضت اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) را با توجه به سلطه آمریکا، استبداد حکومت پهلوی، تضعیف ارزش های اسلامی و ترویج ارزش های غربی و ضد اسلامی درک کند؛

- رؤس رخداد های مهم و مؤثر در پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط نظام سلطنتی را بشناسد؛

- روند استقرار و تثبیت نظام جمهوری اسلامی را با توجه به تغییر نظام سیاسی، شکل گیری قوای سه گانه و تشکیل نهادهای انقلابی درک کند؛

- توطئه ها و دسیسه های دشمنان خارجی علیه انقلاب اسلامی را درک کند؛

- توطئه ها و دسیسه های گروهک های ضد انقلاب داخلی در برابر انقلاب اسلامی را تشخیص دهد؛

- از ایستادگی رهبری انقلاب و ملت ایران در برابر توطئه ها و دسیسه های خارجی و داخلی اطلاع یابد؛

- علت وقوع جنگ تحمیلی و مقاومت همگانی ملت ایران را در برابر تجاوزات عراق درک کند؛

- دستاوردهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی انقلاب اسلامی را بشناسد.



شش حرفی

در مقابل

در مقابل کارهای روزمره، مثل ساعت دقیق و منظم باش.

در مقابل حوادث و خبرهای بد، چون باد سریع بگذر.
در مقابل بزرگ‌ترها چون بید همیشه سر به زیر باش.
در مقابل مشکلات و سختی‌ها چون سنگ خارا قوی و غیرشکننده باش.

در مقابل سخنان درشت و ناراحت‌کننده چون پنبه نرم باش.

در مقابل عواملی که نمی‌توانی آن‌ها را تغییر بدهی چون موم انعطاف‌پذیر باش.

در مقابل بخشش هم‌چون خورشید سخاوت‌مندانه و بی‌توقع به همه بتاب.

در مقابل ضعف نفس مانند شناگری ناشی، آن‌قدر خود را به آب بزن تا روزی شناگری ماهر شوی.

در مقابل تملق و چاپلوسی مانند ناشنویان باش که نه می‌شنوند و نه عکس‌العمل نشان می‌دهند.

در مقابل جاه و مقام چون عقابی باش که هر چه بالاتر می‌رود، کوچک و کوچک‌تر می‌شود.

در مقابل پشتکار هم‌چون مورچهای باش که باری را که ده‌ها برابر خودش وزن دارد، بر دوش می‌کشد و از یک سربالایی ده‌ها بار بالا می‌رود و پایین می‌افتد، ولی هم‌چنان ادامه می‌دهد.

در مقابل ناامیدی، همیشه بزرگانی از گذشته را به یادآور که با وجود معلولیت‌ها و محرومیت‌ها، نامشان برای همیشه در تاریخ ماندگار است.

در مقابل غرور همیشه انسان‌هایی را به یادآور که یک‌شبه از همه چیز به هیچ رسیده‌اند.

در مقابل زیاده‌خواهی، همیشه بادکنک را به یادآور که تنها می‌تواند مقدار معینی باد را تحمل کند، در غیر این صورت می‌ترکد و نابود می‌شود.

در مقابل وسوسه‌های شیطانی، هم‌چون کر و لال دیوانه‌ای شو که نه می‌شنود و نه می‌بیند و نه احساسی دارد.
در مقابل الفاظی مانند شانس و بخت و اقبال، مانند بی‌سوادی باش که یک کتاب پر از این کلمات را رو به رویش قرار داده باشند.

در مقابل ترس، باتلاقی را به یادآور که هر چه بگذرد، بیشتر در آن فرو می‌روی.

در مقابل دشمن، به گونه‌ای عمل کن که عکس‌العمل او، با دوست فرق چندانی نداشته باشد.

در مقابل ارتکاب به گناه، چنان فرض کن که برای رسیدن به آن، باید با دست خالی از دیواری بتونی بگذری.

در مقابل دشمن دوست‌نما هم‌چون قطب‌های هم‌نام دو آهن‌ربا عمل کن.

در مقام دوست چنان باش که هیچ‌گاه پشت سرش حرفی نزنی که اگر روزی مجبور باشی رو به رویش بگویی، شرمند شوی.

در مقابل شکست مانند ماهی باش که خلاف جهت جریان رود، خستگی‌ناپذیر، ساعت‌ها و روزها شنا می‌کند.

و بالاخره

در مقابل عشق، هم‌چون شاعران بزرگ، با احساس و آمادۀ پاسخگویی باش.



دفتر انشای من

○ دفتر انشای من (آموزش و تمرین نگارش)

○ مؤلفان: جعفر خرازی، فاطمه حیدرنیاز، فتح‌الله فروغی

○ ناشر: شورا

○ (تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۵۴۹۲۱-۲)

○ چاپ اول، ۱۳۹۰

○ قیمت: ۴۰۰۰ ریال

پیشین وجود داشت؛ کتاب‌هایی که از دهه هفتاد به مدارس راه یافت و تا چند سال قبل هم تدریس می‌شد. ظاهراً نظر مؤلفان این بوده است که بخش‌های نگارش آن کتاب‌ها در مجموع با برخورداری از انسجام و وحدت مناسب، هنوز هم می‌تواند جوابگوی نیاز دانش‌آموزان این دوره باشد.

مجموعه ۳ جلدی «دفتر انشای من» که برای دوره راهنمایی تحصیلی تألیف شده، کتاب کار به معنای مألوف نیست؛ اما عملاً دانش‌آموزان را به کار وامی دارد تا بتوانند با انجام فعالیت‌هایی که در هر قسمت (از ۸ قسمت کتاب) منظور شده است، به تقویت دانسته‌ها و افزایش مهارت‌های آموزشی و نگارشی خود بپردازند. ویژگی مجموعه این است که مؤلفان اساس کار خود را در تألیف، بر همان بخش‌های نگارش قرار داده‌اند که در کتاب‌های فارسی دوره

معرفی کتاب

بازی برای آموزش گام‌گامی زبان انگلیسی

○ بازی‌هایی برای آموزش زبان انگلیسی

○ مؤلف: دکتر علی پوردریایی‌نژاد

○ ناشر: نسیم

○ (تلفن: ۰۲۱-۷۷۶۰۴۹۹۰)

○ چاپ اول، ۱۳۸۹

○ قیمت: ۷۵۰۰ ریال

برای یادگیری بهتر روش‌های گوناگونی وجود دارند. روان‌شناسان با پژوهش‌های چندین ساله به این واقعیت رسیده‌اند که چگونگی فرایند یادگیری از خود فرایند یادگیری مهم‌تر است؛ از این رو باید به روش آموزشی‌ای که انتخاب می‌کنیم، توجه ویژه‌ای داشته باشیم. آن‌ها هم‌چنین به این اصل رسیده‌اند که مغز انسان تنها با تصاویر کار می‌کند، به عبارت دیگر هر چیزی که شما می‌شنوید، می‌بینید، می‌خوانید و یا احساس می‌کنید، برای پردازش در مغز ابتدا به صورت تصاویر ذهنی درمی‌آید و بعد مغز آن را درک می‌کند.

هدف بازی‌های موجود در این کتاب، فراهم‌سازی مطالب تکمیلی برای معلم زبان انگلیسی است که می‌تواند در کنار کتاب درسی به کار رود. این بازی‌ها به گونه‌ای است که بچه‌ها از آن لذت می‌برند و به انجام آن‌ها در بیرون از کلاس نیز علاقه‌مند هستند؛ چنان‌که این امر می‌تواند در خدمت آموزش زبان انگلیسی قرار گیرد.

این کتاب به گونه‌ای نوشته شده است که هر علاقه‌مند به یادگیری زبان انگلیسی می‌تواند از آن به صورت خودآموز استفاده کند.



شماره ۶ اسفند ۹۰

شما چه می‌خواهید؟ خودتان بفرمایید!

نظر بدهید، جایزه بگیرید

این نشریه، حاصل زحمات همکاران شماست که در دفتر مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی تولید می‌شود. مخاطب اصلی مجله رشد، شما معلمان دوره راهنمایی هستید. تمام تلاش دوستان شما در این جا این است که مطالب مجله، دوست داشتنی باشد. ما علاقه‌مند هستیم که نظر تان را نسبت به مطالبی که در شماره‌های سال جاری انتشار یافته بدانیم تا به یاری خدا بتوانیم در سال آینده مجله‌ای که کاملاً پاسخ‌گوی نیازها و علایق شما باشد، در اختیار تان قرار دهیم. از این رو تقاضا می‌کنیم به پرسش‌نامه‌ای که بدین منظور تهیه شده پاسخ دهید و آن را از طریق صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۷۹ و یا نمابر شماره ۱۴۷۸ ۸۸۳۰ به دفتر مجله ارسال نمایید. پیشاپیش از همکاری تان سپاس‌گزاریم و وعده می‌دهیم که پس از دریافت پاسخ‌ها، هدیه‌ای به رسم یادبود به یکایک شما اهدا و به نشانی تان ارسال کنیم.

۱. مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی در دفتر مدرسه شما یافت می‌شود؟

بلی ☐ خیر ☐

۲. کدام یک از مطالب مجله از جذابیت بیشتری برخوردار است؟ ۳ عنوان را بنویسید.

(الف)

(ب)

(ج)

۳. برای افزایش مهارت‌های حرفه‌ای خود به چه مطالبی نیاز دارید؟

(الف)

(ب)

(ج)

۴. آیا مطالب ارائه شده در مجله متناسب با اهداف دوره راهنمایی تحصیلی است؟

بلی ☐ خیر ☐

۵. آیا مطالب ارائه شده در مجله برای مدیریت کلاس درس شما مفید است؟

بلی ☐ خیر ☐

۶. آیا مطالب ارائه شده در مجله، امکان پیاده‌سازی (کاربرد) در کلاس درس را دارد؟

بلی ☐ خیر ☐

۷. نظر شما در ارتباط با ادغام مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی با مجله رشد معلم چیست؟

موافقم ☐ مخالفم ☐

چرا؟

ضعیف	متوسط	خوب	عالی	نظر شما درباره چاپ موضوعات، مطالب، تصاویر و... در مجله چیست؟
				۱ تصویر یا عکس روی جلد
				۲ سرمقاله‌ها
				۳ رموز معلمی
				۴ معلمان معمار
				۵ گزارش‌ها
				۶ گفت‌وگوها
				۷ دعوت به نوشتن
				۸ تجارب و خاطرات معلمان
				۹ آموزش + بازی
				۱۰ کارگاه تفکر خلاق
				۱۱ ویژه‌نامه ضمن خدمت
				۱۲ ویژه‌نامه استان‌ها
				۱۳ نظرات توضیحی شما:

نام و نام خانوادگی:

شغل: معلم ☐ معاون ☐ مدیر ☐ کارشناس ☐ غیره ☐

نشانی دقیق پستی و شماره تلفن: